





کتم که این پول را می تون از همین محل دخل و خرج مملکتی داد و دلایلی دارم که می توان عرض نموده و محل هائی بدولت دهم که محتاج باستقراض نخواهم شد بلکه اطمنان حاصل است بهماز آنکه بودجه آمد بمجلس دو کورر تومان هم اضافه خواهم داشت و معارج فوق العاده که برای مملکت پیدا می شود عقیده بنده اینست که از این محل داده شود و همین اجازت است که خرید این را از محل فرض تصویب نمی کنم .

**رئیس الوزرا** - بنده عرض می کنم که کوپادولت قانونی حق نداشته باشند که وکلای محترم داخل در اسلحه شناسی هم بشوند منتها در پولش حق دارند حرف بزنند اما در اسلحه حق ندارند حرف بزنند .

**معزز الملک** - بنده حقیقتاً نمی دانم در این باره چگونه مذاکره کنم زیرا که در این ماده يك ترتیبی برای خرید اسلحه منظور شده است و يك سئوالی در این باب شده که آن هفت هزار تفنگی که خرید شده است جزو این اسلحه هست و آیا این دوست و بیست هزار تومان اعتباری که داده میشود يك متنازل هم منعلق باین محل خواهد بود یا غیر جواب صریحی که باید داده شود داده نشد اگر آن دوست و بیست هزار تومان تخصیص داده خواهد شد برای تفنگی که بعدها بترتیبی که در راپورت کمیسیون مصرح است خرید خواهد شد آنوقت بنده موافق ولی اگر گفتید که این دوست و بیست هزار تومان شامل این بیست هزار تفنگ است که خرید شده در این مواد آنوقت بنده عراض خود را اجزه می خواهم که عرض کنم

**وزیر مالیه** - این هفت هزار تفنگ داخل این دوست و بیست هزار تومان است که اینجانب نوشته شده است .

**حاج آقا** - این ترتیبی را که توضیح فرمودند و آقای وزیر مالیه هم بیان کردند که این هفت هزار تفنگ هم جزو همین مبلغی است که بجهت اسلحه تخصیص شده است بنده نمیتوانم بطور باین ماده می توان رای داد بجهت اینکه در این ماده نوشته است که مطابق ماده چهار و ماده چهار يك ترتیب دیگر نوشته شده است پس بکنی این ماده را باید تغییر داد یا گفت این مبلغی که برای خریداری این هفت هزار تفنگ داده شده است این جزو آن نیست بنده عقیده ام این است که آن هفت هزار تفنگی که گرفته شده است باید جزء این قرار دهند چون ما بیشتر از اینها اسلحه لازم داریم و این دوست و بیست هزار تومانی را اینجا نزار دادماند برای اسلحه ما بطور رای بدهند که بجهت تسط اول بهمان طور که از کمیسیون نظام نوشته شده است بمجلس بیاورند و اجازت بدهند آنوقت از همانطور بهمان سیستم فراری بدهند خریداری نمایند و آن هفت هزار تفنگی که خرید شده علیحده جزعیک بودجه عمومی قرار بدهند و بواسطه این بیاورند بمجلس تصویب شود .

**رئیس** - همینطور که میشود مذاکره کرد یا

باید از متخیر کمیسیون باز هشت و زوره پیشنهادی بشود حالا با باید مذاکرات را ختم کرد پایه چوبی پیشنهاد کرد .

**وحید الملک** - بنده عرض داشتم .

**رئیس** - عجلتاً مذاکره را ختم می کنیم در دقیقه هم تنفس داده میشود (بعد از تنفس مذاکره می شود بعد از تنفس مجدداً مجلس سه ربع ساعت قبل از ظهر وب تشکیل گردیده).

**رئیس** - دو فقره ۳ ماده اول لایحه آقایان مذاکرات را کافی نمی دانند (اظهار شد خبر)

**رئیس** - آقای سلیمان میرزا بفرمائید .

**سلیمان میرزا** - در کلیه این معارج که در اینجا جزء داده شده بنده يك نظر عرض میکنم تا ترتیب تفتیش این زمین نشود و ترتیب نظارت کاملی که بتوان مطمئن بود که بهین محل خارج خواهد شد حیث و میلی در کار نخواهد بود داده نشود نمی توان رای داد هر چند که در اینجا در راپورت در این فقره نوشته شده و وجهیکه در فقره اول و درالی آخر مطابق این راپورت بالفرض اینکه تمام این لایحه فرضی تصویب شود و در بانک هم باقی خواهد بود تا لوایح تفتیشیه در این باب از مجلس شورای ملی نکذرد چیزی از این پول نباید بجای غیر از محل لازمه خرج شود مگر آنساعتی که تقریباً گرفته شده زیرا که در ماده فقره دو معارج نشونی است فقره سه هم در اسلحه است فقره چهار هم حقوق عقب افتاده نفقات فقره پنج هم برای اصلاح امتیه و نظایه شامل این بیست هزار تفنگ است که خرید شده در این مواد آنوقت بنده عراض خود را اجزه می خواهم که عرض کنم

**وزیر مالیه** - این هفت هزار تفنگ داخل این دوست و بیست هزار تومان است که اینجانب نوشته شده است .

**حاج آقا** - این ترتیبی را که توضیح فرمودند و آقای وزیر مالیه هم بیان کردند که این هفت هزار تفنگ هم جزو همین مبلغی است که بجهت اسلحه تخصیص شده است بنده نمیتوانم بطور باین ماده می توان رای داد بجهت اینکه در این ماده نوشته است که مطابق ماده چهار و ماده چهار يك ترتیب دیگر نوشته شده است پس بکنی این ماده را باید تغییر داد یا گفت این مبلغی که برای خریداری این هفت هزار تفنگ داده شده است این جزو آن نیست بنده عقیده ام این است که آن هفت هزار تفنگی که گرفته شده است باید جزء این قرار دهند چون ما بیشتر از اینها اسلحه لازم داریم و این دوست و بیست هزار تومانی را اینجا نزار دادماند برای اسلحه ما بطور رای بدهند که بجهت تسط اول بهمان طور که از کمیسیون نظام نوشته شده است بمجلس بیاورند و اجازت بدهند آنوقت از همانطور بهمان سیستم فراری بدهند خریداری نمایند و آن هفت هزار تفنگی که خرید شده علیحده جزعیک بودجه عمومی قرار بدهند و بواسطه این بیاورند بمجلس تصویب شود .

**رئیس** - همینطور که میشود مذاکره کرد یا

که این خرید هفت هزار اسلحه بمجلس بیاید اگر مجلس آنرا رد بکند اگر رد کرد تکلیف این هفت هزار تفنگچه خواهد بود یعنی وقتیکه رد شد مسئول این پول که خواهد بود از طرف دیگر وزیر مالیه میفرماید بنده جزء این دوست و بیست هزار تومان خواهد بود و بنده متخیر در صورتیکه باین ترتیب پیش میرود و در صورتی که مسئولیت خودشان بر خلاف آن لایحه بفرند و بنده هم در مجلس اینجا بفرماید که جزء همان است چگونه قبل از تفتیش و کتلی که باید بشرد این پول میشود بهماز آنکه این پول از اینجا گذشت بطور خواهد شد فرضاً هم کسیکه سئوال کند بمثل این که سئوال کردیم که این هفت هزار اسلحه را بطور خریدماند کی خریدی یکی از آقایان وزراء چنانچه وزیر خارجه جواب دادند که وزرای سابق بترتیب داده اند فرضاً در وزرای سابق همچو گفتگونی شده است هیئت وزرای سابق که الان نیست مسئولیت هم که ندارند نظرات هیئت وزراء هم همان است که در لایحه آنها است جزئیات دیگر چه گفتگو شده است خدمتایند در هیئت وزراء سابق مذاکره شده و چون لازم بود همان چیزها را هم دیدند همین شده بدین بنده تصور میکنم به کله از روشی که فهمیدم از ترتیب و مقتضات چنین اقتضای می کرد خواهد گذشت و ما ترتیب تفتیش را موفق نخواهیم شد و تا ترتیب تفتیش نباشد هیچ امیدواری نیست که این پولها بصارف صحیحه برسد نه این که بنده بگویم در راه بصارف صحیحه به تقاضای هائی بسیار و اخراجات بی شمار و لزوماتی که هست این مصارف بهین ترتیب در نظر خودشان بگذرد و آنوقت چهار همین گفتگوها بشویم چنانچه آن سیصد و چهل هزار هم همین طور مصرف شده است آیا آن سیصد و چهل هزاری که همینطور مصرف شده در آن رعایت تفتیش شود یا نشود در صورتی که آن پول هم يك قسمتش بجزیهای دیگر صرف شده این هم مثل آن مسئله هفت هزار تفنگ است مثلا این جا نوشته شده است که از باب نظایه پرداخته شده است در صورتیکه نظایه مقابل آن معارج يك صورت هابذاتی داشت باین ترتیب خرج شده شاید بندهم يك همچو صورت حساب به بینیم قبل از تفتیش بیاید بمجلس که از برای مقتضات وقت و لوازمات ضروری با این ترتیب قرار دادیم و خرج کردیم و هیچ موافق نشویم باین که پولی که باین ترتیب فرض می کنیم و سعی داریم که این بصرف استقرار امنیت برسد بصارف حقوق های عقب افتاده برسد و بجایهای لازم مصرف شود و باز محتاج يك استقراض دیگر شویم پس بنده باین دلایل يك پیشنهادی کرده ام که اول تمام مذاکرات و این مطالب را قطع کنیم و اول لایحه تفتیشیه را بگذرانیم و وزراء مسامی را که دارند عمل بیاورند و در جزو لوایح تفتیشیه بگذرد تا این که تمام این مطالب کمتر گفته شود و بالاخره بنده فهمیدم ترتیب آن هفت هزار تفنگ چه خواهد شد در صورتیکه وزیر مالیه فرمودند این جزء دوست و چهل هزار تومان است این که با آن

ماده چهار موافقت نمی کند و از حالا برخلاف این لایحه رفتار شده تکلیف این چه خواهد بود .

**فهیوم الملک** - بنده لازم است که يك توضیحی در باب تفتیش و یکی در باب اسلحه عرض کنم در باب تفتیش کمیسیون نهایت سعی وجدیت را دارد که هر قدر بتواند بترتیب تفتیش اهمیت بدهد چنانچه ملاحظه می کنید مواد قانون برای آن معین کرده اند و باید بیاید مجلس رای بدهند در آن و بملاوه لایحه تفتیشیه که حاضر می شود آنها را هم مقید کرده ایم که باید بیاید از نظر مجلس بگذرد و نظری که کمیسیون داشت بر این که لوایح تفتیشیه را حاضر کنند اولاً وزیر مالیه تشریف داشتند و در کمیسیون هم مذاکره شد فرمودند پس از هفت و هشت روز آن لوایح داده میشد زیرا که کمیسیون تفتیش مسئول کار است و بملاوه اگر این استقراض تصویب شود وجه این استقراض فوراً بدست دولت نخواهد رسید مدتی طول خواهد کشید گویا دو سه ماه طول بکشد یعنی امروز اگر ترتیب استقراض تصویب شود بانک طلبهای خود را بر می دارد و سابقاً را که باید بدولت بدهد تا يك مدتی طول خواهد کشید که بدهد يك مبلغی که بطور مساعده توانسته اند بگیرند آن بواسطه اینست که وزارت مالیه با بانک يك حساب جاری دارد و باین جهت است که این مقدار را گرفته است و بملاحظه آن حساب جاری بانک راضی شده است که يك مبلغی بدهد و آن بانک وجه فرض را نخواهد داد مگر وقتی که این لایحه بگذرد و این مدت منتفی شود و کاملاً بانام مهمتی که برای تفتیش اینجا شرح داده شد تصور میکنم که باضعاف مضاعف کمیسیون همراه باشد و لازم می دانند که لوایح آن از مجلس بگذرد و وقتیکه گذشت آنوقت باید شروع شود بگرفتن این فرض اما در باب اسلحه بنده در اینجا عرض میکنم در ابتدا مقدمه راپورت کمیسیون که اینجا ذکر شده است [ بنده کمیسیون برای تفتیش مذکور فوق علاوه بر توپ یازده هزار قبضه تفنگ و یازده میلیون فشنگ بیاید تهیه نمایند ] اینجا يك صورتی از برای یازده هزار و شصت و کسری فشون تهیه شده است این ماده شصت و کسری تا ماژور و موزیکانچی و سایر و غیر ذلک یازده هزار نفر زیر اسلحه خواهند بود و باینجهت این یازده هزار تفنگ بترتیبی که در این ماده چهارم ذکر شده است برای آن عمده قشون پیش بینی شده و باید لایحه اوهم بیاید از نظر مجلس بگذرد و تصویب شود نوع اسلحه قیمت اسلحه و پرداخت اقساط آن تمام باید با تصویب مجلس باشد این هفت هزار را هیچ وجه نمی توان بپول کرد که جزو این مبلغ باشد حالا وزیر مالیه تشریف دارند و توضیحات خواهند داد بجهت اینکه علاوه بر آن اسلحه خواهد بود و اینجا مکرراً اظهار شده که عمده قشون باید خیلی بیشتر از یازده هزار بشود بنده هر چه فکر میکنم بیشتر از پنج شش هزار اسلحه در خزیره دولت سراغ ندارم و باید اسلحه خیلی بیش از اینها تهیه شود و آن و یازده هزار اسلحه باید که اسلحه آن موافق این ماده با تصویب مجلس باشد این هفت هزار تفنگ را برای امتیه و غیره لازم دارند زیرا قشون باید پکنوع اسلحه مخصوصی داشته باشد ولی

امتیّه و نظایه نوع دیگری داشته باشند چندان امتیه ندارد ولی این یازده هزار تفنگ مخصوص این ماده مطابق این لایحه باید بیاید از نظر مجلس بگذرد و این هفت هزار را اگر گرفته اند آن بیک نظر دیگری بوده است که وزارت جنگ و مالیه توضیح خواهند داد و شاید برای امتیه و نظایه بوده است و از برای غیر قشون نظامی است زیرا قشون نظامی اسلحه اش یکجور خواهد بود و بعد پرداخت آنچه را باید از محل عایدات دیگری یا از محل مالیات دولتی مرعی که صلاح میدانند بپردازند و حالا تا دیگر آن اسلحه هم تهیه شود لازم دانسته اند اینها را بدست یک عمده نشونی کدر سرحدات هستند بدهند تا وقتی که آن اسلحه برسد ولی از اسلحه قشونی همین یازده هزار تا یکی که کمیسیون تصویب کرده است باید بیاید باین ترتیب از مجلس بگذرد و اینوجه برای آن تخصیص بیاید بشود .

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست (اظهاری نشد)

پیشنهادی از آقای حاج شیخ الرئیس شده است (آقا تقاضای شمارا بفرمائید)

**حاج شیخ الرئیس** - بله بفرمائید و اجازت توضیح هم میخواهم (پیشنهاد منور بامارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که مسئله هفت هزار اسلحه که باقتضای مصالح فوری و احتیاجات فوری هیئت وزراء عظام خریداری کرده اند امروز مطرح مذاکره بشود که وکلای محترم بتوانند باده سه لایحه مصرف استقراضی رای بدهند خریداری این هفت هزار اسلحه بطور قانونی بمجلس مقید بیاید بشود تا مردم که بدیرفته خوامند .

**حاج شیخ الرئیس** - بنده عرض بکنم اگر چه آقای رئیس الوزرا فرمودند که وکلا شاید اسلحه شناس نباشند ولی عرض میکنم که خبری شناسند هم اهل صلاحند و هم اهل سلاح خصوصاً خود بنده و دیگر اینکه این تفنگها را بنا بر تحقیقاتی که کرده ام اگر چه این تفنگها را در تقایس خریدماند و لکن در برد و هنر و تیرزنی کمتر از تفنگهای آلمانی نیست بجهت اینکه بعضی از حدود ممالک روسیه بخصوص قفقازیه متصل است بمملکت آلمان و از حیث نژاد یکی هستند و تفنگهای آنجا هم سازند کمتر از تفنگهای ممالک آلمانی نیست و خیلی تفنگ اعلائی است و لکن اگر اسلحه بخواهند رای بگیرند که این هفت هزار تفنگ داخل آن مصارف باشد مخالف قانون است و نمی توان رای داد ولی با کمال اعتماد و حسن اعتقادی که همیشه وزراء عظام خاصه آقای رئیس الوزرا و کلا دارند عرض میکنم پیشنهاد دیگری بکنند آنهم فوق العاده البته اکثریت می پذیرد و هیچ جای شبهه نیست

**رئیس الوزرا** - بنده عرض میکنم که ماسی هزار تفنگ لازم نداریم بلکه صد هزار تفنگ لازم داریم و ما باید همیشه در ذخیره خودمان صد هزار تفنگ تهیه داشته باشیم اگر دولتیم و روائاً اسم دولت بر سر ماست و واقعا اسم دولت است باید تمام لوازمات دولتی در ما جمع شود و موجود باشد و برای این چیز های جزئی که میخواهیم داخل مذاکره شویم بنده یکی از این اشخاص هستم باین چیزهای جزئی نمی توانم تعدیل خدمت را دولت بکنم .

**رئیس** - رای بیکیریم باصلاح و تقاضای آقای حاجی شیخ الرئیس یک مرتبه دیگر خوانده میشود .

**فهیوم الملک** - در چه چیز این میخواهد

رای بگیرد اگر میکوتید که این هفت هزار تفنگ جزء آن یازده هزار نیست ما هم میکوتیم که نیست .

**وزیر خارجه** - اینجا يك توضیح اجمالی می دهم که بعضی از آقایان تصور کردند که بنده عرض کردم که در کابینه سابق این مذاکره شده است خواستم فرار این کار را بکابینه سابق بدهم در آن موقع هم که تفنگها را می آوردند و می دیدند من جمله این تفنگها را هم فرستادند آوردند مذاکره کردند که این طور بشود ضرر و نقصش چیز است مذاکره بیان آمده اینست که فرار دادند بی آنکه داخل قرار دادی در این شده باشد در این مسئله رفع استیفاء شود از آقایان اما در باب مسئله تفنگ همانطوری که آقای رئیس الوزرا فرمودند شاید نقطه نظر دولت خیلی زیادتر از این مقادیر است که تفنگ برای دولت تهیه کنند لکن در لایحه کمیسیون نوشته شده است یازده هزار تفنگ و آن میزان فشنکی که اظهار کردند این را البته دولت موافق است که با همان ترتیبی که در ماده چهارم ذکر شده است ملاحظه و خریداری شود ولی باز باید بمرض آقایان برسد که این هفت هزار تفنگ هم برای سرعت زوم و شدت احتیاج خریدماند و شاید تاخیری که در این باب میشد اشکالی پیدا میشد صلاح نداشتند اقدام در خریداری این کردند و سرعت خریداری شده من جمله اینکه آذربایجان چنانچه بنده عرض کردم تلگرافات مدهیده کردند و حاضر است حتی تلگرافات مخبر السلطنه هست که اگر در ظرف دوسه روزه این اسلحه خریدماند و فرستاده نشود بطور خواهد شد و وعده صریح بآنها هم دادند که برای دستار دیبل و جاهای دیگر فرستند و تلگراف شبلی سخت و شدید کرده بودند و تقاضا کرده بودند که خریداری شد این برای اشد لزومی بود که تصور کرده بودند و این اقدام را لازم دانستند و البته باز وزراء از مجلس مقدس برای قیمت او اعتبار می خواهند حالا یا از این محل یا از محل دیگری که صلاح بدانند وجه او را بدهند خود آقایان بهتر می دانند و چون امشب در سفارت عثمانی هیئت وزراء دعوت دارند و يك ساعت هم بیشتر به وقت نماز است و باید سر وقت همه حاضر شوند اگر به جلسه دیگر مذاکرات گذاشته شود بهتر است .

**رئیس** - خوب اگر مجلس موافق است بماند برای جلسه دیگر .

**وحید الملک** - عرض دارم .

**رئیس** - اگر اظهاری دارید بماند برای جلسه دیگر .

دستور سه شنبه ۲۰ لایحه استقراض لایحه معارج راپورت شنبه پنجم راجع بنمایند کروس دستور پنجشنبه ۲۷ راپورت کمیسیون بودجه راجع بوره (مورل) - قانون ثبت اسناد - شنبه ۲۹ شور در قانون استخدام - بقیه شور اول در قانون پستی - دو فقره تقاضا شده بود یکی از طرف آقای ادیب التجار راجع بفرستادن لوایح بنجف اشرف و یکی حاجی شیخ اسدالله راجع بامتداد خط سیم تلگراف به خونسار و گلیانیکان و مغلان چون







چند سال و اتم شده نتیجه که مطلوب بود در این باب باسفرات عثمانی و باپایی در اینصورت که داخل شدیم بالاخره قرار بر این داده شد که بعد از ورود جناب استقامت السلطنه بسفارت اسلامبول که مستریاست کمیسیون را هم خواهند داشت بااصلاعات سابقه که در آنند در این باب داخل مذاکره شده اینک برقم مناسبات انشاءالله موفقیت حاصل شود در باب حقوق سرفرازان و مأمورین بنده اینجا خیجیات میکشم عرض کنم که چقدر مانده است و چقدر پانی است آنرا رجوع میکنم بداره محاسبات وزارت امور خارجه و اگر اطلاعاتی بخواهند تحصیل کنند در آنجا موجود است در باب اتباع خارجه که در خدمت دولت هستند اینها البته در صورتیکه یکی آن قسمتی است که با رضایت و اطمینان و اعتماد دولت متبوعه خودش در داخل خدمت هستند آنها البته محترمند و متفوق در کار خودشان میباشد و دولت ایران هم از خدمت آنها فایده میبرد بعضی نکات تو گوی بوده اند که شاید در این اواخر پیدا شده اند که برضایت دولت متبوعه خودشان داخل شده اند و علاوه بر اینکه طرف اعتماد دولت خودشان نیستند طرف اعتماد داخله هم نیستند آنها را در هر نقطه که وزارت امور خارجه اطلاع بهم رسانده است بان اداره که آن اشخاص در آنجا مستخدم هستند اطلاع داده و اخطار کرده است آنها هم بوظیفه خودشان عمل کرده اند و آنها هم معذور قلمی بوده اند بواسطه اقداماتی که بعمل آورده رفته اند و این است که اگر هم یکی در آنجا باشند باید محل اعتناء نباشند اما در باب اشخاصی که بی تذکره وارد می شوند در این مسئله هم می دانید که سرحد داران روس در باب تذکره ذمال استقامت را دارند و امان اهمیت را می دهند و کمال مراقبت را دارند و اینکه در این اواخر یک مقداری بطور بی تذکره و بدون سند رسمی وارد شده اند در موقع انقلاب در روسیون بود و البته در تمام مسائل این طور اتفاقات می افتد ولی بداندرجه انقلاب روسیون سرحدداران طرفین البته بوظایف خودشان مشغول شده اند و تعلیمات صحیح هم داده شده است که با رعایت تذکره صحیح و همانطوری که از پیش قانون تذکره معمول و مجری بود که اگر تذکره صحیح نداشته باشند باید برگردانند مراقبت داشته باشد و از آن طرف هم همین طور کمال اهمیت را بنده می دهنند و بالخصوص هم در چندین پیش تر از تفاز در اینباب اظهاری شده که ( ) فرستاده شده است که مراقب نظم این قریه باشند و نگذارند اشخاصی که بدون تذکره هستند وارد شوند و بوزارت داخله هم در اینباب اطلاع داده شده است که از طرف خودشان هم بامورین - رجیدی تعلیمات بدهند و وزارت خارجه بوظیفه خودش اقدام کرده است .

**ارباب کبخی - اولاً در مسئله مناقشات**

منصود این بود که حالا چون موقع طیان ایل است لیل از بروز فساداتی که ترتیبی هستند که باز یک خبر نامناسبی رسد در مسئله سرفرازان مأمورین دولت ایران در خارجه هم سئوال بنده در باب روسانین حقوق آنها بود و جواب صحیحی نرفرموند که چه خیالی برای رسانیدن آنها کرده اند در باب تبیه خارجه هم منصود بنده اینهاست بود که رسماً داخل کار هستند بلکه منصود آنهاست بود که مجهول هستند و سئوال آخر بنده مخصوصاً در باب اشخاصی

**بود که شنبه ام جدیداً وارد شده اند می خواهم بدانم**

که در اینباب چه اطلاعی دارید وزیر امور خارجه برای حقوق سرفرازان یک مقدار حقوق بطوری که در لایحه که از طرف وزرا پیشنهاد شده است یک وجهی از استغراض یعنی صدهزار تومان منظور شده است و یک مقدار زیاد دیگر که باقی می ماند در هیئت وزراء مذاکره شده و قرار داده اند که باقراط و تدبیر از سایر عایدات دولت بپردازند و بنده با هم وزارت خارجه از آقای ارباب خلی تشکر می کنم که این مسئله را متذکر شده اند و امیدوارم که از طرف همکارهای ایشان هم مساعدت در پیشرفت این قریه بشود که از مهمات مملکتی بشمار می آید و برای حفظ یکتیک و مساعدت مملکت حاجت این نیست که بنده عرض کنم که رعایت حال سرفرازان و درین دولت در خارجه چقدر اهمیت دارد و در باب اشخاصی که تازه وارد شده اند بنده در آن باب چندین بیشتر هم بداره نظمی و امنیه اطلاع داده ام که اگر اشخاصی وارد بشوند بدون تذکره و ترتیب صحیحی یا مظنون باشند بعضی مسائل فوراً سئوال بکنند و بنام و نشان پیشنهاد بکنند که اگر معلوم و متفق شد وزارت امور خارجه بوظایف خودش بپردازد این مسئله را تکرار کرده ام ولی هنوز از وزارت داخله در این خصوص بوزارت امور خارجه اطلاعی داده نشده است .

**رئیس - آقای ادیب التجار دو نفره سئوال**

داشتند ولی چون مسئله مهمتری هم هست خوب است بدانند باخر جلسه - دستور امروز لایحه استغراضیه و لایحه مخارج -

هر مملکت مشروطه همانا نظارت در امور مایه خصوصاً در محل و صحت مخارج می باشد در حقیقت فرق همه ما بین ممالک مستبد و مشروطه در همین مسائل مایه ظاهر می شود در ممالک مستبده مایه مملکت ملک یک شخص و یا اشخاص معده است ولی در ممالک مشروطه مایه مملکتی دخل ملی محسوب میشود میزان و محل و صحت مخارج را پارلمان که نماینده ملت است معین می نماید بهماز آنکه محل های اخذ مایه و محل های خرج آن از روی قانون پارلمانی شد باید اطمینان کامل برای ملت حاصل شود که دخل ملی بمخارج ملی از روی نقشه پارلمانی میرسد نظارت و تقیض و حساب کنشی پارلمانی باید بقسمتی مضبوط و محکم باشد که یک دینار در دخل و خرج ملی خرج و درین نشود در حقیقت اولین وظیفه ما این است که اصول نظارت و تقیض را بقسمی محکم بکنیم که کذب و منافق دست بردهای غیر قانونی را بر مایه ملت مسدود بکنیم پس از این مقدمات داخل موضوع شده اظهار می دارم که پول این استغراض اگر چه از حیث مقدار اهمیتی ندارد ولی اهمیت تاریخی هم رسانیده یک موقع بزرگی را دارا شده است بهمان نسبت بامسئولیت مخصوص را ارجاب نمایند کان ملت بخیر و جیب منتهی بشود پارلمانی فرقه دو کرات لازم می آید که در جوه این استغراض در محل های که فقط متضمن اصلاحات اساسی و تکمیل تأمینات مملکتی است با یک نقشه نظارت عملی که ضمانت صحت آن مخارج را نماید صرف شود در این صورت اساساً محال پرداخت هر گونه حقوق عقب افتاده مستخدمین دولتی و هر کس که مخارجی از روی بوده تصویبی مجلس نبوده و هیچ نظارت و تقیضی در آن نشده از محل این استغراض میباشد و فرضاً ترتیب نظارتی را که در لایحه ذکر شده تصویب کنیم فقط نظارت بر آن سبلی ملحق خواهد گرفت که از برای مخارج آن به منظور شده و مبلغ خطی دیگری که برای پرداخت حقوق عقب افتاده و با وجوهی که بطور معامده گرفتند و بدون کنترل خرج شده تقاضا شده است ملحق نخواهد گرفت نظر بلاحظه فوق الذکر پیشنهاد ذیل با نهایت توقیر تقدیم مجلس شورای ملی می شود لایحه استغراض بر لایحه تعیین و تشخیص محل های خرج مقدم شود و لایحه تعیین تشخیص محل های خرج و نقشه نظارت تقیض معوق بماند تا بعد از ورود منحصی مایه و امنیه که از آمریکا و اروپا خواسته شده اند تا بشور و صواب دید آن ها لایحه خرج و تقیضی که متضمن اصلاحات اساسی مملکتی است رضامان تکمیل امنیت مملکت را بنماید با یک نقشه نظارت ملی پیشنهاد مجلس شورای ملی بشود .

**رئیس - آقای ادیب التجار دو نفره سئوال**

داشتند ولی چون مسئله مهمتری هم هست خوب است بدانند باخر جلسه - دستور امروز لایحه استغراضیه و لایحه مخارج -

**رئیس - آقای ادیب التجار دو نفره سئوال**

داشتند ولی چون مسئله مهمتری هم هست خوب است بدانند باخر جلسه - دستور امروز لایحه استغراضیه و لایحه مخارج -

**رئیس - آقای ادیب التجار دو نفره سئوال**

داشتند ولی چون مسئله مهمتری هم هست خوب است بدانند باخر جلسه - دستور امروز لایحه استغراضیه و لایحه مخارج -

**رئیس - آقای ادیب التجار دو نفره سئوال**

داشتند ولی چون مسئله مهمتری هم هست خوب است بدانند باخر جلسه - دستور امروز لایحه استغراضیه و لایحه مخارج -

**رئیس - آقای ادیب التجار دو نفره سئوال**

داشتند ولی چون مسئله مهمتری هم هست خوب است بدانند باخر جلسه - دستور امروز لایحه استغراضیه و لایحه مخارج -

طرف آقایان شده است در این که لایحه استغراض بر لایحه مخارج مقدم شده بنده هم مساعدت و موافقت خواهم کرد بجهت اینکه اول هم در باب تقدم این و تاخر آن مذاکره نبود و مخالفی نداشت فقط آقای رئیس بلاحظه این که خواستند اول مخارج معین شود بعد در مقابل آن استغراض بشود ولی در اینکه اول لایحه استغراض خوانده شود و بگذرد بعد مخارج تصویب بشود هیچ محل نظر و ذنگوتی نیست ولی بشرط اینکه لایحه استغراض که خوانده شد لایحه تقیضیه و مخارج با هم بجلس شورد و مذاکره بیاید و اینکه فرمودند تا زمان رسیدن مستخدمین امریکائی معوق بماند این خارج از ترتیب میشود برای اینکه نظرات آنها را که نباید داخل در اصل مطلب کرد یعنی نظرات آنها در موقع تقیض است و در ضمن عمل همان مقصود عمل می آید و مخارج با نظرات آنها خواهد شد و تمام مقاصد بعمل می آید و مخالفتی نمی نماید پس باین جهت بنده هم این تقاضا را که امروز لایحه استغراض را مقدم بدارند بر لایحه مخارج در صورتی که هیئت وزراء حاضر باشند و موافقت نمایند تصویب می کنم .

**وزیر امور خارجه - مسلم است که اتفاق**

مجلس بر این امر بشود و زرا هم همراه و موافقت و لکن از این مسئله که لایحه تقیض بماند تا اینکه مستخدمین امریکائی بیایند این یکتوری اسباب تأخیر می شود برای این که همه نمایندگان می دانند و اطلاع دارند که این استغراض که میشود برای مصارف فوری است که دولت پیشنهاد میکند و نمایندگان ولایات و بعضی نقاط شاید بیشتر از وزرا اطلاعات داشته باشند و می دانند که آنچه لازم است این است که فوری اقدام در امنیت نقاط بشود اساس این استغراض برای این مسئله از طرف دولت پیشنهاد شده است پس در این صورت لایحه استغراض که گذشت هجرتاً صورت کنترل و تقیض آنهم از هیئت کمیسیون که کابینه دولت تشکیل داده است پیشنهاد کرده اند و امروز فرستاده اند و فردا در کابینه وزراء قرائت خواهد شد به مجلس خواهد آمد و بنده تصور می کنم این مأمورین خارجه که امروز ما داریم و صحت عملشان معنی نیست بهتر نیات مملکتی بصورت و اطلاعات کافی پیدا کرده اند و محل اعتراض هم نیست عملیاتشان در هیئت دولت محل تعجیب بوده است نظر ایشان بقدری کافی و محل اعتماد برای مای تواند بود که این مخارجی را که لازم است با همین کنترل بعمل بیارند برای اینکه مسلم است مستخدمین که وارد خواهند شد تا یک مدتی که ترتیب داخلی اینجا که معمول است باید اطلاع پیدا کنند و تا آن اطلاعات را حاصل بکنند شاید خیلی اتفاقات حاصل بشود که اسباب تأسف بشود پس نمی توان اینرا معطل آن کار کرد و چون از پیش هم هیئت دولت متفق بوده اند و دستور العملش را هم ترتیب داده اند و تقدیم مجلس خواهند کرد و تصور میکنم مخارجی که لازم است در دولت پیشنهاد کرده است اگر همان ترتیب بانجام برسد برای هیئت دولت و نمایندگان مجلس ابرادی نمائند .

**رئیس - آقای ادیب التجار دو نفره سئوال**

داشتند ولی چون مسئله مهمتری هم هست خوب است بدانند باخر جلسه - دستور امروز لایحه استغراضیه و لایحه مخارج -

**رئیس - آقای ادیب التجار دو نفره سئوال**

داشتند ولی چون مسئله مهمتری هم هست خوب است بدانند باخر جلسه - دستور امروز لایحه استغراضیه و لایحه مخارج -

**رئیس - آقای ادیب التجار دو نفره سئوال**

داشتند ولی چون مسئله مهمتری هم هست خوب است بدانند باخر جلسه - دستور امروز لایحه استغراضیه و لایحه مخارج -

**رئیس - آقای ادیب التجار دو نفره سئوال**

داشتند ولی چون مسئله مهمتری هم هست خوب است بدانند باخر جلسه - دستور امروز لایحه استغراضیه و لایحه مخارج -

**فهم الملک - قری که یک مسئله مهمی مثل** استغراض متفق علیه آقایان می شود واقعا خیلی مورد تعجیب و تشکر است و همان طوری که فرمودند برای اینکه ترتیب قانونی بعمل آمده باشد بنده هم تقاضا میکنم که لایحه مخارج را بکمیسیون عودت بدهند که مجدداً با حضور وزرا و سایر آقایان مطرح مذاکره شده نظرات ثانوی در آن شده و راپورت جدید داده شود و در این قسمت آخر پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا یادآوری میکنم که لایحه تقیض گویا تهیه شده است او را باید حتی الامکان جلو انداخت و منتظر آمدن مأمورین نباید شد برای اینکه خواهند آمد و هر چه بکنند در مرکز خواهند بود و این لایحه تقیض که ترتیب می شود فقط برای مرکز نیست برای ایالات و ولایات هم خواهد بود و در آنجا باز محتاج خواهیم بود بامورین سابق اردوستانی که الان هم ما داریم زیرا که آنها اطلاعات خارجه هم دارند و مشغول هم هستند و ضمناً عرض میکنم که اینجانبانظر فقط به تقیض این جزئی وجه نیست بلکه یک اساسی است که برای کلیه مخارجات دولتی فراهم می آید و حالا آن لایحه اصل استغراض را مطرح مذاکره خواهند فرمود و بنده هم استدعا می کنم در آخر آن این یک ماده اضافه شود [ ماده پیشنهادی ایشان عبارت ذیل قرائت شد ]

**ماده واحده - وجوه استغراض در بانک باقی**

خواهد بود تا وقتی که لایحه راجع بخرج آن و لایحه تقیضیه از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد .

**رئیس - اینجا دو مسئله هست یکی این که**

آقای سلیمان میرزا پیشنهاد کردند که این مسئله بماند تا وقتی که مستخدمین امریکائی بیایند یک تقاضا هم از طرف آقای میرزا مرتضی قلی خان شد که معبر هم موافقت بآن تقاضا و آن این است که وجوهی که تصویب می شود که استغراض بکنند در بانک شاهنشاهی بماند تا وقتی که لایحه تقیضیه آن از مجلس بگذرد حالا آقای سلیمان میرزا شما در آن تقاضای خودتان باقی هستید یا اینکه مسترد می دارید و این تقاضای ثانوی را قبول دارید ؟

**سلیمان میرزا - بنده در تقاضای خودم**

باقی هستم .

**رئیس - پس دیگر داخل مذاکره نمیشویم**

در خاطر آقایان هست که در جلسه گذشته قرار شد که لایحه را که راجع بمخارج است قبل از لایحه استغراضیه مطرح مذاکره فرار بدهیم و حالا تقاضا شده است که بهعکس بشود پس باید رأی گرفته شود و در اینکه لایحه استغراض را اول بخواهیم و در آن رأی بگیریم بعد مخارج را مطرح مذاکره قرار بدهیم

**فهم الملک - آن لایحه را تصور می**

کنم که در صورتی که تقاضا شده بکمیسیون برگردد قهرآباد بر گردد بکمیسیون دیگر محتاج بر این نخواهند بود .

**رئیس - کمیسیون تقاضا می کند که لایحه**

مخارج بر گردد بکمیسیون حالا چه باید کرد .

( گفتند باید لایحه استغراض خوانده شود ) باید همین طور بماند تا راپورت کمیسیون بر گردد پس باید رأی گرفته شود پس آقایانی که موافق هستند در اینکه لایحه استغراضیه قبل از لایحه مخارج مطرح مذاکره بشود قیام نمایند [ اقلیت قیام کردند ] با اکثریت ۴۳ رأی تصویب شد حالا در کبیات لایحه استغراض مذاکره میشود .

**سلیمان میرزا - بنده چنانکه قبلاً عرض کردم**

با اساس یک فرض خارجی تجارتی مخالف نیستم و حرف ندارم ولیکن چون هر فرض محل خواهد بود از برای یک مخارجی و ممکن است وقتی که آن لایحه خرجش پیشنهاد بشود نظریات در آن فرق بکنند عرض میکنم که اساساً همانطور که عرض کردم باید یک فرض خارجی از برای اصلاحات اساسی موافق بود اما متأسفمستم باینکه یک فرض بکنیم و آنرا بمصارف حقوق عقب افتاده برسانیم حالا اگر لایحه خرج همان لایحه خرجی بشود که بکمیسیون عودت داده شده است که فرض بشود بنده معقلاً مخالفم و تصویب نمیکنم که مایک فرض بکنیم و بدهیم بحساب های گذشته و بهتر این می دانم که حسابهای گذشته را از محل هائی که در مقابلش هست و وصول نشده است بپردازند و این فرض را از برای مخارج اساسی که تکمیل امنیت را دائر دارند در هر صورت از طرف وزارت باید توضیح داده شود که آیا نظریات هیئت دولت بر این است که پس از این که این استغراض شد چنانچه بماند اش هم این بود بمصارف گذشته صرف خواهد شد یا اینکه بمصارف آتی در صورتیکه بمصارف گذشته صرف خواهد شد عرض کردم که آن را ممکن است از محل هائی که داریم بپردازیم و تا توضیح هم داده نشود بنده نمی توانم عقیده خودم را عرض کنم .

**افتخار الواعظین - در مقام مباحثه و مذاکره**

این لایحه استغراض ممکن است که چند نظر پیدا شود چیز هائی را که بنده یادداشت کرده ام چون چنین استنباط می کنم که مجلس شورای ملی تمام متفق هستند در باره این استغراض یعنی این که سابق هم که ترتیب این استغراض را وزیر مالیه سابق مرحوم صنیع الدوله بمجلس عرضه داشت اغلب نمایندگان بلکه می توانم بگویم بالاتفاق این جا تصویب شد و حتی روزی هم که مواد آن جمله شدت آمیز واقع شد همان روزی بود که بکمیسیون نتوانین مطالبه آمده بود و لایحه این استغراض را بصوب کمیسیون نتوانین

مالیه رسانیده بود و همه تصدیق داشتیم و امروز هم حس میکنم که همه آقایان تصدیق خواهند داشت از این جهت بنده در آن قسمت اول از یادداشت خودم را لازم نمی دانم عرض کنم بجهت اینکه بعضی است که میچسبند نمی تواند بگوید که امروزه برای دولت مایک استغراض باین ترتیب صحیح لازم نیست بجهت ترتیب باین ترتیب که دولت ایران هفت کرور فرض داشته است بیانک در صدی هفت نزول میداده است حالا دولت میخواهد دوازده کرور از بیانک شاهنشاهی قرض کند و هفت کرور آنرا عوض قرض سابق بدهد و پنج کرور دیگر برای دولت میباشد در حالی که نزول صدی هفت صدی پنج میشود و صدی دو فایده دولت است و وثیقه هم که دولت برای آن هفت کرور همان وثیقه را از برای آن دوازده



کرور هم معین کرده است بدون اینکه چیزی بر آن وثیقه افزوده شود یعنی از اعزام آن گمرک جنوب اراک به مصلحت منافع از آنکه مصادف لازم اناری گمرک موضوع شود دیوانت میکند پس از نزل اجناسی دو برای دولت فایده است و دیگر اینکه اسطاسی هم که میداده است دولت برای آن هفت کرور بعین همان اسطاسی را بدون دیناری علاوه بلکه قدری کمتر میدهد از برای استهلاك این استقراض دوازده کروری پس در اسطاسی هم چیزی زیاد نشده بلکه قدری هم کمتر شده است و در مدت حالا دولت اگر چه این مدت را زیادتیر کرده است ولی مشروط این شرط است که تا پنج سال دولت ایران حق ندارد این فرض را بردارد ولی بعد از پنج سال دولت اگر بخواهد تمام این استقراض را بآنک شاهنشاهی بردارد میتواند پس از برای دولت بگردد تجارتی بدون اینکه شرط یولتیگی داشته باشد باز نول صدی پنج که به شرازیان ترتیب و آسان تر از این ممکن نیست و اگر بگوئیم در استقراض مطلقاً لازم نیست که شاید بعضی آقایان عقیده شان این باشد و بنده گمان نمی کنم کسی مطلع باشد و این حرف را بگوید پس معینش آنوقت این است که خرید اسلحه از بریمان لازم نیست تأسیس قشون لازم نیست تأسیس اداره ژاندارمری از برای طرق لازم نیست تأسیس اداره ژاندارمری از برای طرق لازم نیست و صاحب منصبانی که برای اینکار خواسته ایم لازم نیست بالاخره استخدام مستخدمین سوئدی لازم نیست پس امروزه برای دولت جهت بعضی تنظیمات و تأسیساتش بکافی پول لازم است که آن پول را نباید به صرف برساند تا اینکه بتواند مرتباً مالیاتهای عقب افتاده و لا وصول خودش را از اطراف و جوانب وصول کند و به مصادف جاریه عادی خودش برساند و اگر کسی بگوید که ممکن است این مصادف را از مالیات گرفت و داد بنده عرض میکنم که ممکن نیست بجهت اینکه در سال گذشته مبالغی از مالیات دولت در محل باقی مانده است و امروز باید دولت بگفته فوق العاده منظمی از برای خودش تحصیل بکند تا بتواند بآن وسیله آن مالیات های عقب افتاده سته ایستوین و امسال خودش را عاید دارد و به مصادف جاریه عادی خودش برساند پس این استقراض باین ترتیب امروزه از برای ما لازم است - دویم ممکن است کسی بگوید که استقراض امروز از برای ما لازم است ولی اینقدر کم است و کفایت احتیاجات ما را کاملاً نمی دهد بنده هم این را تصدیق می کنم که امروزه از برای دولت ما یک فرض صد کروری لازم است ولی امروزه اگر کسی بگوید که این فرض پنج کروری را بگیری و به مصادف احتیاجات لازم امروزه خود برسانی و منتظر باشی که یک فرض کلی صد کروری بگویی بنده بایشان جواب عرض میکنم که خوبست عوض گرفتن یک محل فرض صد کروری با شرایط صحیح و نزل صد بیست و نه اراکه بدهید بدولت فرض داده شود آنوقت بنده قطع دارم که تمام نمایندگان آن فرض را تصدیق خواهند کرد و سوم اینکه ممکن است کسی بگوید استقراض لازمست ولی نه از خارج بلکه از داخله آنجا هم بنده عرض میکنم این بسیار خوب حرفی است لیکن بشرط اینکه از داخله بنمایند که یک کسی بدون شرط یک فرض صدی پنج بدهد و اول کسیکه آن فرض را تصویب

میکند بنده خواهم بود ولی خوب است عوض گرفتن اراکه بدهد که از فلان کسی یا فلان محل میدهند چهارم - می شود که کسی بگوید که استقراض لازم است ولی باید ملاحظه کرد که بچه مصادف میرسد و ترتیب تقشیش آن بچه شکل خواهد بود گویا بنده و تمام آقایان مؤلفه بلکه تمام نمایندگان مجلس شورای ملی هم در این عرض بنده متفقند بلی ما این عرض را نمیکنیم که مثل فرض های سابق نباید بدهیم بچه مصادف - رسید و بدست کی بمصرف رسید این فرض را بنده در صورتی تصویب میکنم که بآن تأسیسات و اصلاحات و مصادف و در هر روز دولت برسد تا تقشیش صحیح ولی فقط این نکته را یاد آوری میکنم که برای دولت همین پنج کرور پول است و آن بیست کرور و ۲۴ کرور عایدات دیگر دولت پول نیست و نظریه فرد نمایدگان است که در مصرف این پول بلکه در تمام عایدات دولت سعی بکنند که به مصادف صحیحه لازم فوراً برسد و با تقشیش صحیح هم بمصرف برسد پس ما اینجا این دوترا را نباید منحصراً بوجه این استقراض بکنیم مثل اینکه بنده که یکی از وکلای ملت هستم عرض می کنم که عموم برادران ایرانی بنده بدانند که از ابتدای دولت جدید تاکنون که اینجا استفاده هم هیچ بنده نمی دانم که عایدات دولت ایران چقدر بوده است و بچه مصرف رسیده است و تقشیش چه شکل شده است بلکه می توانم ادعا بکنم که اگر این اتمامی را که ما در مصادف این استقراض و تقشیش این فرض بخرج می دهیم کمترین این وظیفه ما این است که همیشه این اتمام را در کلیه مال دولت بخرج بدهیم اگر تا به حال می دادیم حالا تقریباً یک کرور نقدی دو کرور نقدی یا دو کرور پول های نفل شده در خزانه دولت ما بود پس فرض لازم است ولی بنده هم کاملاً با این عقیده شریکم و تمام نمایندگان مجلس شورای ملی هم احساساتشان این است که باید مجلس بدانند که این پول بچه مصرف میرسد و بدست کی نمفتیش خواهد کرد و بدست کی بمصرف خواهد رسید و اما اینکه حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند مشروط بمصادف داده شده گذشته مصرف نشود عرض می کنم دویمت و بیست هزار تومان از این وجه را کابینه آقای مستوفی الممالک و صد و بیست هزار تومان را کابینه آقای سپهبد اعظم که مجموعاً می شود سیصد و بیست هزار تومان گرفته اند و به صرف رسانیده اند ولی بنده قطع دارم بر حسب تحقیقاتی که خود بنده کرده ام که این پولها در دست موانعی خرج شده است مثل اینکه آن پنجاه هزار تومانی که برای مصادف قشون قارس داده شده است در یک موقعی داده شده است که اگر در آن موقع داده نمیشد ضرر از برای دولت ایران شاید با اندازه تصور بود که با هیچ پول ممکن نبود آنرا جبران کرد پس تمام این پولها بمصادف رسیده است که نهایت فوریت و ضرورت و لزوم را داشته است پس این مثل این است که طاق این اطباق خراب شده است بگویند صد تومان برای تعمیر این اطباق بده و من می دانم که اگر این صد تومان خرج نکنم این طاق پائین می آید و دوهزار تومان خسارت بدولت

وارد می آید آنوقت مبلغ این صد تومان را ندمم تا این طاق پائین بیاید و این خسارت خراب شود و این ده هزار تومان ضرر بدولت برسد برای اینکه این صد تومان را ندمم این ابداً صحیح نیست برای اینکه دولت دود اگر آن پنجاه هزار تومان را برای قشون نادرس حواله نهد و نمی داد ضررهای برای دولت و ملت ایران متصور بود که با هیچ پول جبران نمی شد و دیگر بنده عرض می کنم که چه فرق مابین مخارجی که شده است و مخارجی که باقی است و باید بشود میباشد امروز قشون و نظمی و امنیه در ولایات و ایالات حقوق عقب افتاده خودشان را بعضی جاهای هفت ماهه بعضی جاهای پنج ماهه طلبکارند از دولت و آن طوریکه کابینه حساب کرده است گویا قریب نهمه هزار تومان طلب آنها می شود بیست و دو هزار تومان از مجلس شورای ملی درخواست کرده است که یک کرور این پول بمصادف پس افتاده آنها برسد این حقوق آنها را شاید از این یک کرور تسویه کنند کمیسیون فواین مالیه آن یک کرور را تصویب نکرده است گویا در دست سیصد هزار تومان یک مبلغی را تصویب کرده است بنده عرض میکنم اگر شما حقوق عقب افتاده نظمی و امنیه و قشون ساغولی ولایات و ایالات را تسویه بکنید ام از اینکه یک کرور تسویه بکنید یا به دو تومان بنده نمی دانم آن اختیارش با هیئت دولت است اگر آنها را تسویه نکنند آنوقت یک جمع کرسته مسلحی را در تمام ولایات بر خلاف دولت دارید که دولت باید تمام این پنج کرور را خرج بکند و یک عده بدهد که در مقام اسباب آنها برآمده بنده با اسلحه کرسته اینجا استفاده هم عوض اینکه مرا ساکت بکنید مرا بشترارت و ابداً برای اینکه از این پول بین داده نشود بلکه مجلس شورای ملی باید صواب و صلاح مملکت را در نظر داشته باشد و بگوید من فلاقتی بهیئت دولت اجازه می دهم که فرض بکنند و بعد این فرض را برای مصادف اساسی نه عادی برای مصادف اساسی - قمری مملکت خرج بکنند تا کر یک وقتی لازم می دانند که سیصد هزار تومان از این را بآن حقوق عقب افتاده بدهد برای اینکه تمام این پنج کرور بپورده خرج نشود آنوقت ما نباید هیئت دولت را مجبور بکنیم که این سیصد هزار تومان نباید استقراض بشود و در مصادف صحیح هم صرف بشود بنده می دانم که تمام مجلس و هیئت مؤلفه بلکه اکثریت و اقلیت همه در این مسئله موافقت و احدی مخالفت ندارد.

**رئیس -** بنده به اظهار عقیده که آقای افتخار الواعظین فرمودند عرضی ندارم ولی در ضمن لفظی فرمودند که گویا میخواهند تقشیش بکنند.

**وحیدالملک -** وقتیکه بنده اجازه گرفتم برای استقراض در مقابل آن لایحه مخارجی بود که از طرف دولت پیشنهاد شده بود آقایان البته تصدیق خواهند کرد که در هر جای دنیا معمول است که اول لایحه مخارج را پیشنهاد میکنند و می بینند که چه نوع مخارجی را دارند و چه نوع کسری دارند آنوقت محل از برای آنها پیدا میکنند بنده هم که برای استقراض نظر رانی داشتم همان ملاحظه بود که آن لایحه مخارج پیشنهاد بشود و در آنها تقشیر

بشود آنوقت ما هم به بیستم که آیا اهمیت آن تقاضا دارد که ما یک همچو قرض را بکنیم یا اینکه ندارد ولی بنده چطور مذاکره بکنم در یک استقراض در صورتی که هیچ مواد مخارج معلوم نیست یک تقاضای شده است از طرف کمیسیون فواین مالیه که بر گردد بکمیسیون یک تجدید نظری در آن بشود با شور و صوابدید متخصصین اینکار دوباره پیشنهاد مجلس شورای ملی بشود بنده هیچ نمی دانم که آیا تقشیر در این مواد مخارج داده خواهد شد یا خیر برای اینکه اگر آن مواد مخارج ثابت باشد بنده هم در همان نظریات و عقیده که ناخالص تحصیل کرده ام ثابت خواهم بود اگر آن مواد تغییر خواهد کرد شاید نظریات بنده هم مخالف شود و هیچ رأی در این موضوع استقراض ندارم و بتین دارم که پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا هم از همان نقطه نظر بود و از این نظر نبود که فوراً این لایحه مخارج بر گردد بکمیسیون و لایحه استقراض بپایان بیاید بنده هیچکس را نمی بینم در این مجلس اشاره بخلاف دست چپ که بتواند در این طرف مجلس رأی بدهد چه جواب آقایان وزراء را بدهد چه نظریات در این مسئله داشته باشد چه جواب آقای افتخار الواعظین را بدهد یا اینکه مواد مخارج را درست بفهمد و مواد تقشیر را در هیچ جای دنیا رسم نیست که یک لایحه دخلی چه استقراض چه غیر استقراض اول پیشنهاد بواسطه وزیر مالیه و آنوقت مخارج این بشود بنده این را بکلی مخالف میدانم پس خودم را در این موضوع موقوف میکنم تا وقتی که لایحه مخارج از کمیسیون مجلس بیاید و موضوع مذاکره شود آنوقت نظریات خودم را عرض میکنم پس حالا بچیزچه من الوجوده در این لایحه می توانم رأی بدهم بنده چنانچه لایحه که حضرت والا خوانند بایک استقراض که خالی از هر گونه شرایط سیاسی باشد چنانچه گفته شد همراه هستم و حتی بر ضد این استقراض هم نیست ولی در صورتیکه مخارج آنرا بدانم و مواد تقشیر او را هم بدانم بنده بکلی بر ضد یک استقراض هستم که وجوه آن استقراض بمجاهلی صرف بشود که موجب تکمیل تأمینات مملکتی نیست بنده یقین دارم که کلیه آقایان چه در اینجا و چه در خارج میخواهند که یک ترتیبی بپایان بیاورند و یک نقشه کشیده شود که تکمیل تأمینات مملکتی بشود در صورتی که آن نقشه کشیده نشده است و آن ترتیبات معلوم نیست و چه نظریاتی گفته شود پس بنده استدعا میکنم که یک طوری بشود که در آنوقت ما بتوانیم در آن مذاکره بکنیم و از روی یک وجدان صحیحی رأی در آن موضوع بدهیم ولی باین ترتیبی که هست من نمیتوانم نه اظهار عقیده بکنم نه رأی در آن بدهم.

**رئیس -** بنده به اظهار عقیده که آقای افتخار الواعظین فرمودند عرضی ندارم ولی در ضمن لفظی فرمودند که گویا میخواهند تقشیش بکنند.

**وحیدالملک -** وقتیکه بنده اجازه گرفتم برای استقراض در مقابل آن لایحه مخارجی بود که از طرف دولت پیشنهاد شده بود آقایان البته تصدیق خواهند کرد که در هر جای دنیا معمول است که اول لایحه مخارج را پیشنهاد میکنند و می بینند که چه نوع مخارجی را دارند و چه نوع کسری دارند آنوقت محل از برای آنها پیدا میکنند بنده هم که برای استقراض نظر رانی داشتم همان ملاحظه بود که آن لایحه مخارج پیشنهاد بشود و در آنها تقشیر

اول خواننده و تصدیق شود و بعد بر طبق آن لایحه استقراض مطرح شود و بعد از طرف آقایان فرقه دموکرات پیشنهاد شد که لایحه استقراض جلو بپوشد و لایحه مخارج بماند.

**وحیدالملک -** همچون نیست.

بعد در ضمن آن بیان نامه هم اشاراتی شد که برای بنده باز اشکالاتی فوق العاده پیش آورد و از آن جمله در همان آنی که تصدیق میکنند که همراه هستند با فرضهای تجارنی باز در همان بیان نامه اظهار میکنند که این استقراض هم خالی از شرایط سیاسی نیست و بنده این را جداً تکذیب میکنم و گمان میکنم که هیچ چیزی نباشد و رو بهم نمی فهمم که این نظریات چگونه اینجا تفاوت کرده است آن طوری که آقای وحیدالملک میگویند نمی دانم مقصود چیست از ابتدای تشکیل این مجلس همه ما ها می دانیم که از برای پیش بردن کار های این دولت و از برای راه انداختن ادارات یک ترضی لازم بود این یک مطلب تازه نیست که بمجلس آمده است مدت ها اینجا مذاکره شد و ابتدا از طرف کابینه آقای مستوفی الممالک پیشنهاد شد و همه متفق بودیم و اساساً بنده منکری در این ندیدم و تمام همراه بودیم و تصور میکردیم که اگر یک همچو پیشنهادی از طرف وزراء بشود بالاتفاق رأی خواهیم داد حالا معلوم می شود که عقاید تغییر کرده است و علاوه بر اینکه تغییر کرده است می بینم که صمیمیت هم در کار نیست و این مطلب را هم برای مملکت خیلی خطرناک می بینم و تصور می کنم که بایستی اگر ما بخواهیم چرخهای ادارات مملکت را بهتر از گذشته راه بیندازیم باید با یک خوش قلبی در این جا با هم همراهی بکنیم یعنی هیچ حرف تصور نکنیم که ممکن است بواسطه این نوع نویضات یک نفعی از برای مملکت عاید شود بالاخره این استقراض را خواهیم کرد و این مصادف را تصویب خواهیم کرد و آن ممکن است همان طوریکه آقای افتخار الواعظین فرمودند وقتی بشود که برای هر صد تومانی پنجاه هزار تومان دولت ضرر کند و حالا چون هنوز تردیدی برای ما حاصل است و درست نمیدانم که رأی آقایان در این باب چیست این است که در این موقع پیش از این عرض نمیکنم و امیدوار هستم که آن (۴۳) رأی که حاصل شد در این لایحه استقراض را مقدم بداریم آن یک رأی مقدماتی بوده است که منافاتی با آن قراری که داده بودند که لایحه مخارج را مقدم بر لایحه استقراض بدارند نداشته باشد چنانچه امیدوار هستم بالاخره اتفاق حاصل شود چنانچه از طرف هر دو حزب گفته شد.

**سلیمان میرزا -** توضیح دارم.

**رئیس -** نسبت بنطق شما سوء تفاهمی شده است بفرماید.

**سلیمان میرزا -** بعضی مطالب فرمودند که در موقع جواب آنها را خواهم عرض کرد حالا تقشیر بعضی سوء تفاهمات شده است که لازم میدانم عرض کنم که اگر پیشنهادی از طرف اقلیت شده است که لایحه مخارج بر گردد بکمیسیون و لایحه استقراض مقدم باشد دائر بر آن نبود که این مطلب همین امروز مطرح مذاکره شود بالطبع وقتی که لایحه مخارج بر گشت بآن شرایطی

**رئیس -** بنده به اظهار عقیده که آقای افتخار الواعظین فرمودند عرضی ندارم ولی در ضمن لفظی فرمودند که گویا میخواهند تقشیر بکنند.

**وحیدالملک -** وقتیکه بنده اجازه گرفتم برای استقراض در مقابل آن لایحه مخارجی بود که از طرف دولت پیشنهاد شده بود آقایان البته تصدیق خواهند کرد که در هر جای دنیا معمول است که اول لایحه مخارج را پیشنهاد میکنند و می بینند که چه نوع مخارجی را دارند و چه نوع کسری دارند آنوقت محل از برای آنها پیدا میکنند بنده هم که برای استقراض نظر رانی داشتم همان ملاحظه بود که آن لایحه مخارج پیشنهاد بشود و در آنها تقشیر

که بنده پیشنهاد کردم که نام اموری بنده متخصصین امر بکافی یک نقشه بکشند و بعد رأی بدهیم با طبع عقیده بنده این بود که لایحه استقراض هم امروز مطرح مذاکره نشود و باید این مطلب هم همان پیشنهادی است که آقای وحیدالملک کردند که گمان میکنم روی میز مقام ریاست گذاشته شده باشد و ابداً با آن پیشنهاد و استقراض رأی مخالف نیست.

**رئیس -** برای توضیح کافی است.

**محمد هاشم میرزا -** چون بعضی از آقایان تصور می فرمایند که هیچ مخالفی نخواهد داشت و این مطلب از بدیهیات خواهد بود و بنده این را از نظریات می دانم و لابد عرض کنم این مذاکراتی که می شود در کابینه سابق یا اسبق این مذاکره بوده این دلیل بر صحت عمل نمیشود اگر صحیح نبوده در آن کابینه و آن کابینه و کابینه اول هم صحیح نبوده فرق نمیکند در هر وقت کابینه که بوده است صحیح نبوده است و عقیده کسی که صحیح بوده است آنوقت و حالا صحیح است یا رسال در ابتدای که آمده بودیم در مجلس شورای ملی این پیشنهاد قرض شد ولی ما ابتدا اطلاع از بودجه و از ترتیبات مملکت نداشتیم و بالاخره قرار شد داخل در مذاکره شوم و این که آقایان فرمودند رأی داده شده بنده تصور میکنم رأی داده نشده باشد اگر رأی گرفته شده بود امروز در مجلس چه می کرد اما اینکه بعضی آقایان می فرمایند که دچار خیلی مشکلات خواهیم شد و به بعضی معظورات خواهیم افتاد از تویق این کار گویا در اول مشروطه هم این گفتگوها بوده است یک وقتی آقای حاج امام جمعه فرمودند که در مجلس سابق هم یک مرتبه وزراء آمدند گفتند اگر یک فرض نشود تا پنج روز دیگر یک امری واقع میشود و رفته امور را هم بگفته میشود این حرفها سابق بر وجود مسامح شده است در زمانیکه ما از نمایندگان گمان هم شده ایم باز شنیده ایم این را برای بنده باز هم این دلیل دلیلی نماند نخواهد بود لایحه عرض میکنم که اگر چیزی را احساس کردند بهیئت وزراء که یک استقراض لازم است و بعد با آوردن این را بنده از وظایف کمیسیون بودجه میدانم نه از وظایف کمیسیون فواین مالیه مگر در شرایط استقراض که در شرایط آن نظریات خود را بکنند و بعد در کمیسیون بودجه بیستم تا این مهمانی که برای وزراء پیش آمده است میتوانیم رفع بکنیم یا نمی توانیم بلکه یک نماینده عقیده اش این باشد که آن بودجه را که آوردند بمجلس از بابت مخارج آن بعضی زیادتی ها نوشته شده است من باب شاهد حال یک فقره اش را عرض میکنم در باب شاهزاده سلیمان میرزا که ده هزار تومان مالیات دارد ۳ هزار تومان مخارج مالیاتش را نوشته اند یک کسی اگر عقیده اش این باشد که این مخارج زیاد باشد کمتر از این باید خرج بشود یا اگر نماینده عقیده اش این باشد در کمیسیون بودجه که پنج کرور باشد محتاج بدو کرور هم نخواهد بود از این مطالب خیلی است که خارج از موضوع شاید باشد عرض نمیکنم و هیچ نماینده نمی تواند مورد سرزنش باشد هر نماینده میتواند نظریاتی داشته باشد ولی بدون اینکه بکمیسیون بودجه بیاید بدون اینکه معارضش را معین بکنیم نمی

**رئیس -** بنده به اظهار عقیده که آقای افتخار الواعظین فرمودند عرضی ندارم ولی در ضمن لفظی فرمودند که گویا میخواهند تقشیر بکنند.

**وحیدالملک -** وقتیکه بنده اجازه گرفتم برای استقراض در مقابل آن لایحه مخارجی بود که از طرف دولت پیشنهاد شده بود آقایان البته تصدیق خواهند کرد که در هر جای دنیا معمول است که اول لایحه مخارج را پیشنهاد میکنند و می بینند که چه نوع مخارجی را دارند و چه نوع کسری دارند آنوقت محل از برای آنها پیدا میکنند بنده هم که برای استقراض نظر رانی داشتم همان ملاحظه بود که آن لایحه مخارج پیشنهاد بشود و در آنها تقشیر



توانیم اول استقراض بکنیم و بعد مصارفش را پیدا بکنیم خیر این نمی شود باید تمام مذاق ملاحظه شود بعد از آنکه معلوم شد این پنج کرور محل حاجت دولت است بنابراین آنوقت ما حاضر هستیم که اگر نتوانستیم چاره بکنیم مجبور بشویم با استقراض ها از هر قبیل استقراض باشد بلکه با استقراض تجارنی که ضمیمت نداریم دور نیست اگر يك استقراض تجارنی و اقتصادی صد کرور در دست کروری باشد برای احداث راه آهن و راه انداختن چرخهای مملکت مغالفتی نداریم ولی برای این جزئیات در صورتی که احتمال می دهیم که ممکن باشد از همین مملکت چاره شود - همتی ندارد بدون دیدن عموم و بدون این نظریات ما قبول نمی کنیم این هم که بعضی از آقایان اول فرمودند از بدیهیات است که این را لازم داریم و بعد فرمودند من که يك نفر از نمایندگان هنوز از بودجه مملکت کاملاً اطلاع ندارم با وجودی که چندین وقت است آمده ام و هفت ماه در کبیسون بودم و بعد هم ولی بنده که يك نفر از نمایندگان هستم اطلاع دارم همین بودجه است که نوشته و بدست تمام ماها داده اند و همه اطلاع داریم و می بینیم اینقدر بی ترتیب نوشته شده است که نمیتوانیم تسویه بکنیم تو که تصویب میکنی این استقراض را میدانی که این چاره جوئی میشود یا نه بنده تا ترتیب اینرا ندانم داخل در تصدیق و تکلیف استقراض نمی شوم .

**معاون وزارات داخله - شاهزاده سلیمان**

میرزا و شاهزاده محمد هاشم میرزا بعضی مذاکرات کردند که آنها خیلی اسباب تأزیر بنده که معاون وزارت داخله هستم گردید فرمودند که مخالف هستم که حقوق پس افتاده مستخدمین داده بشود . بنده در جواب سرکار والا عرض می کنم که خوب است مساعدت بکنید که حقوق پس افتاده مامورین دولت داده شود زیرا که هفت هشت ماه بلکه قریب یکسال است که در بعضی نقاط حقوق امتیه و نظمی نرسیده است و از وزارت خارجه هم سؤال شد آقای وزیر خارجه هم اظهار کردند که چند سال است که حقوق سفرای خارجه نرسیده است و شاید مسبقاً باشد که این انقلاب اخیر خارجه هم بواسطه نرسیدن حقوق آنجا بود بطور قوی می دهید که امروز دولت با این احتیاجی که استقراض دارد مساعدتی با در خصوص استقراض نشود بنده عرض می کنم الان متأسفانه در کرمانشاهان شاهرود بسطام قزوین و همدان و اغلب ولایات و ایالات مستخدمین متحصران و منهم حق می دهیم بآنها زیرا که چندین ماه است حقوق بآنها نرسیده است و هم میطور هم که فرمودند بلکه عدده اشخاص گرسنه مسلح هستند که حکومت محلیه نمی تواند از آنها جلو گیری بکند قریب پنج ماه است که حقوق باجرا و وزارت داخله نرسیده است اینها مستخدمین و وزیران دولت هستند آنها را هم شما باید در جزء رنجبران مملکت حساب کنید و تصویب بکنید که این پول بآنها برسد در مجلس شورای ملی مغالفت کردن باشکده حقوق آنها نباید برسد بنده هیچ ملتفت نیستم که برای

چست در ترتیب تقشش اگر نظریاتی دار بدبرمائید و کبیسونی همین بکنید برای تقشش نه اینکه اسامها در يك هومئ که قائمه استقلال با منیت مملکت بسته است شما با اساس استقراض اینطور مغالفت بفرمائید مخصوصاً از فرقه محترم دمو کرات هم خواهش می کنم که در این موقع ضمیمتی نکنند بلکه مساعدتی بکنند که چرخ دولت بگاریفتد .

**رئیس - مذاکرات در کلیات کافی است .**

( گفته شد کافی نیست ) پس ده دقیقه تنفس داده میشود و بعد مذاکره میشود .

**رئیس - مجدداً مقارن هر دو جلسه تشکیل شد .**

مذاکرات در کلیات استقراض است ولی قبل از اینکه شروع بشود مذاکرات بشود لازم می دانم که بعضی مطالب را عرض مجلس برسانم چند روز قبل هم اینجا عرض کردم هر مطلبی هست باید هلنی باشد تا اینکه همه مطلع بشوند و آن مطلب این است که چند روز قبل تلگرافی از تبریز رسیده بود بنمایندگان آذربایجان که در موقع استقراض شما باید ضمیمت بکنید و حتی طوری باید ضمیمت بکنید که در موقع رای از مجلس خارج بشود که همه برای رای گرفتن کافی نشود و بنده علاوه بر این که این مسئله را خلاف مشروطیت میدانم خلاف ترتیب هم می دانم راضی نخواهم شد که در تحت ریاست بنده در مجلس شورای ملی يك همچو بی نظمی وقوع پیدا بکند این بود که امروز با رئیس فرقه دمو کرات که بیشتر از ایشان از کلاه آذربایجان هستند مذاکره کردم و گفتم من همچو استنباط کردم که در موقع رای دور نیست که نمایندگان آذربایجان از مجلس بیرون بروند بنده هرگز باین مسئله راضی نخواهم شد ایشان در جواب گفتند که تمام نمایندگان آذربایجان جزء فرقه دموکرات نیستند بلکه يك عدده شان هم جزء هیئت مؤتلفه هستند بنده ایشان گفتم که چون اکثر آنها جزء فرقه دموکرات هستند در شاهنامه رئیس آن فرقه هستید شما این مطلب را میگویم که شما بآنها حالی بکنید که این بی نظمی واقع نشود گفتند خیلی خوب ولی حالا که شما از من این ترتیب را خواهش میکنید خوب است که از رئیس هیئت مؤتلفه هم میبشنورید يك خواهش بکنید که آنها هم يك نوع مساعدتی کنند که اسباب اختلال نظام در مجلس فراهم نشود این بود که از رئیس هیئت مؤتلفه آقا میرزا مرتضی قلیخان این خواهش را هم نمودم و در هیئت رئیسه اینطور مذاکره گردید که چون لایحه که از بابت مخارج مجلس بیاید اسباب اختلاف نظر است و اختلاف نظر آقایان هم از تلگرافی است که از آذربایجان رسیده دور نیست اسباب بی نظمی در مجلس شود بهتر است که لایحه استقراض را مقدمتاً به مجلس بیاوریم و يك ماده هم بآنها اضافه بکنیم باین ترتیب که بعد از این که اجازه داده شد که دولت فرض بکند تاقراری در باب مخارج داده نشده است و صورت مخارج تصویب مجلس نرسیده است و مخارج تقشش از مجلس نگذشته است دولت مجاز نیست که يك پول از این استقراض را تصرف کند باین ترتیب بنده متقاعد شدم که اگر مجلس بیایم اسباب بی نظمی

**هشروثی - اولاً بنده این را عرض میکنم**

که در این مجلس بنده نماینده تمام ایران هستم نه اهالی آذربایجان تنها چون بتائیکی از مواد قانون اساسی که نوشته شده که از هر ولایتی يك نفر از اینجا وکیل میباشند بعد از آنکه داخل دارالشورای ملی شد وکیل تمام است و بنده هیچوقت ملاحظه مملکتی را بملاحظه آذربایجان تنها مقابله نخواهم کرد اینک راجع باینکه طلب آمده بر سر استقراض بنده خودم شخصاً نه از روی خدنگردی يك تذکره قلمی که مراد از بکنند یعنی چیزها که او را از روی يك تصور آنچه فرض واجبات و فغان باشد ابتدا مرا می دانم خودم را و وجدان خودم راهیج از این جهت صحبت نخواهم کرد داین صحبت راجع به شرع بدین و آئین و عقیده خودم است منتها ناصح قلم می دهیم آن راجع به نقصان خودم است و نباید که نقصان بنده مانع بشود از این که من بگویم عقیده ام ناقص است حالا چون بنده خود را ناقص نمی دانم ناصحان ناصحانی بوده است من اطراف مطلب را نفهمیده ام این است که بنده از پیش در این باب با زور این يك چیزی نوشته ام که تمام انتقم همان است اگر يك چائیکه شاید بنده خود بر بخورد که آقایان بفهمند و ایراد کنند آزا در آخر عرض میکنم رای در استقراض فرغ دانستن دخل و خرج و بودجه مملکت است بنده که یکی از نمایندگان ملت هستم و میخواهم يك قرضی اگر چه خیلی جرئی هم باشد در اینجا این را توضیحاً عرض میکنم چون بعضی از آقایان گفتند این فرض چیزی نیست و چندان اهمیتی ندارد بنده بهست وکالت خودم و بهست نمایندگان خودم از طرف ملت خیلی اهبت می دهیم این فرض را ولو آنکه خیلی جرئی هم باشد برگردن ملت با درکم بحکم عقل و شرع و قانون داخل در خرج ملت و ندانم و احتیاج ایشان را نیست باین فرض فهمیم نمیتوانم رای خودم را اظهار کنم و چون تا بحال نتهنا بنده بلکه تمام نمایندگان بطور تحقیق از بودجه مملکت اطلاع ندارند بعقیده بنده و هر کس هم اطلاع دارد بیاید

بعد از بنده در این کرسی نطق می نماید بنده را تکلیف بکنند که خیر بنده از بودجه مملکت بعبوی اطلاع دارم و از اول افتتاح مجلس مقدس همیشه اسرار در دادن بودجه مملکت داشته ایم ولی متأسفانه بودجه صحیحی بمجلس مقدس نیامده علیهذا نسبت بخودم رای دانن را در این استقراض منافی عقل و شرع و وکالت خودم دانسته چنانچه سابقاً رای نداشته حالاً هم ندارم و این را بنده توضیح میدهم يك قسمی خورده ام که تا بودجه مملکت را نفهمم در خصوص استقراض و پول رای ندهم شاید هم رای نداده ام و بعضی چیزهای جرئی که خیلی آنچه را که لازم و مستحق دانسته ام رای نداده ام و در مخارج که پیشنهاد شده و مباحثه شد اگر چه بنده خیلی از آنها را لازم نمی دانم و بر فرض لزوم باز نمی توانم اظهار رای نمایم همین دلیل که عرض شد زیرا که ملت می تواند ایراد بکند و بسکه بد که بر فرض لزوم آن مخارج شاید دخل مملکت کافی بود و احتیاج قرض نداشت تو چرا کور کورانه رای دادی آنوقت من که وکیل هستم از جواب ایشان عاجز هستم مگر اینکه در طرف چند روز بودجه صحیحی بدهند و بنده را قانع کنند بلزوم استقراض و عدم کفایت بودجه تنها اینهم کافی نخواهد بود مگر اینکه هیئت تقشش صحیحی تشکیل شود برای رسیدگی بمخارج لازمه چنانچه در لایحه کابینه سابق همین شرط شده بود آنوقت میتوانم اظهار رای نمایم اینک نوشته شده است و تقدیم هم میکنم که همینطور بنویسند و در اواخر هم عرض میکنم بنده خودم شاید از همه بیشتر دم بسوزد برای مملکت و از آنجائی که مراد مطمئن نگردانده که بودجه مملکت کمتر است از خرج یا زیادتر است اطلاع هیچ ندارم لهذا بیک قرضی را که باینمکت فلک زده میخواهند وارد کنند بنده نمیتوانم رای بدهم و از مجلس هم بیرون نخواهم رفت در مجلس هم می نشینم و رای نمیدهم

**حاج امام جمعه - اینجا چند مطلب دارم**

سه مطلب دارم و این مطالب هم خلط نشود بهتر است اول مطلبی را بگویم که بنده می بینم ما امروز بواسطه پاره مشکلات و احتیاجات و شدت آنها و بواسطه ضیق مایه محتاج يك وجهی هستیم یا نیستیم این يك مطلبی است و گمانم این است که ما محتاج پول هستیم و يك پولی لازم داریم این را اگر ما خودمان که اینجا نشسته ایم و نماینده ملت اینمکت هستیم تصدیق نکنیم تمام ما امروز محتاج بیک قرضی هستیم اگر ما خودمان بگوئیم که این را نمیتوانیم گمان این است که ما در دنیا خودمان را متفرض کرده ایم و اگر نگوییم که ما مشکلاتی داریم و دولت قادر نیست بحل آنها مشکلات مگر بواسطه این پول این راهم مگر بدیهیات شدیم يك بدیهی را انکار کرده ایم بنظر بنده اشکال در سببی است هیچ اشکال نباید کرد در اینکه امروزه ماضیق مایه داریم و محتاج پول هستیم خصوصاً اشخاصی که در مرکز هستند یعنی در تهران هستند و جزئیات امور را میدانند تشکیک کنند مثلاً اگر در آذربایجان انجمن آذربایجان تا بکنده از این مطالب مسبقاً نباشد هیچ ضرر ندارد بجهت اینکه جزئیات اینجا را شاید مسبقاً نیستند اما ما که اینجا هستیم مسبقاً هستیم و میدانیم امروزه چه حال دارد شدت احتیاجات خودمان را هم میدانیم که چندر است و اگر این را انکار کنیم گمان این است بیکدوری بما بر بخورد اشکالی که هست اینجا است

بنده سابق هم که این مسئله عنوان شد شاید نظر آقایان هم باشد همینکه این مسئله اینجا عنوان شد باز همین عرض را کردم و آن این است که باید طوری قرار بدیم که این پول بعد احتیاجات مملکت صرف بشود و يك قدم باین پول در اصلاحات مملکت برداریم و این را یقین باید بدانیم که اگر این پول را ما در اصلاح مملکت صرف کردیم و بسکندم برداشتم بعد از آن استقراض های دیگر هم برای ما ممکن خواهد بود اما اگر این استقراض هم شامل سایر استقراض های سابقه باشد و این وجوهائی که در این دو سال برای ما آمده است اگر اینطور خرج کنیم و با این پول بیکدم بسوی اصلاح برداریم یقین دارم که برای ما دیگر استقراض نیست و يك عاقبت و خیمی خواهیم داشت حالا اصل اشکال در اینجا است و اینکه بنظر ناصر بنده رسیده است این است نه اینکه تصور بفرمائید که بنده با آقایان وزراء اطمینان ندارم خیر شهادت کمال اطمینان را بیکی یکی آقایان این کابینه دارم و اکثریت مجلس هم اعتماد کامل را دارد بآنها چیزی که اطمینان ندارم این بی علمی خودمان است این را اطمینان ندارم و اعتقاد این است تا ترتیب رساندن وجه بمصارف معینه قبلاً از روی علم مرتب نشود و نقشه صحیح آن پیش از وقت کشیده نشود امکان ندارد و وجهات بطور صحت بمصرف خود برسد مثلاً از جمله مخارج معینه وزرا سه کرور مخارج قشون است مسلم است این وجه را وزرا بدست خودشان با فراد قشون نخواهند داد بلکه بوسائل و وسایط عده باید برسانند و تا طریق رساندن آنوجه علمی و از روی نقشه صحیح نباشد امکان ندارد بطور مقصود بهمان مصرف برسد مثلاً هر کس در عالم خودش از خودش کسی را امین تر نمیداند و بنده گمان میکنم که اگر من نقش اینکار باشم یقین دارم آقایان تصویب بفرمائید آنچه بنظر بنده در رفع این محظور شدید یعنی در طریق معفوظ شدن اینوجه از حیم و میل و رسیدن آن بمصارف مقصود برسد این است که دولت در سال مالی داده مستخدمین امریکائی را اجیر کرده است برای امثال این موارد است که قبلاً نقشه مصارف و راه رساندن وجه بمصارف را از روی علم و بصیرت تعیین کرده و طریق حذف و میل را مسدود دارند و بدیهی است همین که راه رساندن بمصرف علمی و از روی بصیرت حذف و میل میشود اگر هم بشود خیلی کمتر خواهد شد فرضاً این مصارف را که کابینه معین کرده است مجلس تصویب نماید و امریکائی بخواهد اینوجه را در این مصارف صرف نماید بنده میگویم راه خیر آنجا بهتر میدانند این اشتباه نشود در این پیشنهاد که وزراء کرده اند برای مخارج خرج قشون است بنده بشدت تصدیق دارم بنده هم میگویم باید بقشون صرف شود نباید بمانی صرف شود بنظریه صرف شود ولی اینکه ما میگوئیم که مقش یا کبیسون تقشش قرار بدیم و تقشش از خودمان بکنیم بنده نمیتوانم مطمئن بشوم میگویم المیاز بالله خیانت میکنند میگویم نمیتوانم مطمئن شوم که از روی تقشش علمی تقشش شده باشد چون آنها راه و چاه رساندن را بهمان معین بنمایند محققاً کمتر حذف و میل خواهد شد در اصل استقراض هم گمان بنده بودن آنها اسباب تسهیل زیادی خواهد بود و در شرایط و غیر با اطلاع آنها و علم آنها مشرکات کثیره خواهد شد و از فرار معلوم تا بیکاه مستخدمین میرسد اگر در

تصویب این قرض بیکاه مجلس و وزراء صبر و تحمل نمایند چندان ضروری نخواهد داشت و اگر باره مخارج خیلی فوری در این بیکاه دولت لازم داشته باشد ممکن است است با بیکاهدهزار بیکصد و پنجاه تومان دیگر از بانک گرفته بمصرف رساند چنانچه تقریباً سیصد هزار تومان گرفته اند و بس از رسیدن امریکائی تصویب استقراض با استحضار آنها بشود .

**فهم الملك - قسمت اول فرمایشات آقای**

حاج امام جمعه تماماً واضح است و محتاج بهیج دلیل و برهان نیست اما برای اطلاع خاطر شریفشان در قسمت اخیر فرمایشاتی که فرمودند مذاکره آنرا در کبیسون در باب تقشش شده است لازم است آنها را کامل عرض کنم نه این بود که کبیسون ما هیچ نظر نداشته بود و مستخدمین امریکائی که در راه هستند بلکه آنها را هم خیلی در نظر داشتند بلکه نسبتی که در کبیسون مذاکره بود گمان میکرد که شروع باینکار میکنند و تا حالا شاید آنها هم رسیده بودند و مشغول بودند اما آنطوریکه فرمودند ما در دست راه کار را نمیتوانیم یعنی شاگرد کار هستیم معلم نیستیم بنده یقین دارم که آقایان بیکه در اینجا هستند همه جور اطلاعات دارند و لیکن در ترتیب تقشش بنده یقین دارم که در این مجلس بنچهر نیست که بتوانند بشنوند يك ترتیبی برای تقشش بنویسند زیرا که این نادر مملکت ما معمول بوده است و نه مدرسه برای اینکار بوده که این کار تحصیل بشود ما امروز کسی را که تعریف می کنیم که مقش خوبی است يك خبری را میروند می بینند يك مقش را قبول می کند يك مقش را رد می کند آنچه معلوم است که راجع بحساب گذشته است و حال اینکه تقشش این نیست که در حساب گذشته رسیده گئی کنند يك مقش را رد يك مقش را قبول کنند تقشش این است که در ضمن عمل تا آخر عمل تقشش شود نه اینکه يك مأموری برود باینکه این خرج را کرده است یا نکرده است این تقشش نیست ترتیب اداره چیزی است که خودش باید تقشش باشد مجاسبات اداره طوری باید باشد که تقشش در ضمن او بشود حالا يك محاسباتی که هیچ اساس ندارد بطور در واقع تقشش بشود فرض بفرمائید يك پولی بدهید باموری صد هزار تومان که بمصرف برساند بعد يك مقش هم بفرستند که برود تقشش بکنند باید بیکد فتری بدست مقش بدهند و يك ترتیبی از برای تقشش معین بکنند والا هیچ ممکن نیست که آن مقش برود درست بتواند تقشش بکنند باید دستور العمل بآن مأمور هم داده شود که اداره خود را باید بفلان طور نگاهداری دفاتر خود را بفلان طور نگاهداری بعد این مأمور بیکه برای تقشش میروند از روی دفاتر باینکه بآنها ترتیب تقشش را گفت و این ترتیب تا اکنون در اینجا معمول نبوده است می فرمائید که باشد تا امریکائی ها بیایند آنها که بیایند اصحاب برای ما نخواهند کرد و نمی توانیم در حق آنها اصحاب قائل شویم آنها يك اشخاصی هستند عالم و اطلاع هم دارند از مملکت خودشان و یقیناً تصدیق خواهند فرمود که اگر مقایسه شود با امریکا ما نداریم که خیلی که راست می توانیم بگوئیم که ایران از رویی که با بدایره تجدید گذاشته است از روی دول اروپائی که نزد يك بوده



است اساس انتظامات خودشان را از آنجا گرفته اند ترتیبات اداری و اغلب کارهایی را که ملاحظه فرمائید مخصوصاً آنچه راجع به عیاشیه است خیلی شبیه است به ترتیبات اروپائی اگر يك مأمور اروپائی وارد شود اینجا ممکن نیست که تا دو ماه دیگر مشغول کار بشود باید مدتی بماند تا اطلاع کامل پیدا کند تا بداند چطور باید اینجا را اداره کند میفرمایند مفتش عرض می کند که آنکه تازه وارد می شود باید بفهمد تقلبات اینجا را مفتش یعنی چه یعنی کسی که تفتیش بکند تقلبات و حرکات سوء اداری را باید جلو گیری کند ترتیب تفتیش سه ماهه برای معین کنند باید آنها بفهمند تا از برای تفتیش معین بکنند حالا این راجع است اروپا تا چه رسد بامریکا اساساً ترتیبات آنها از تفتیش و غیره بکلی مخالف است با ترتیب اروپائی کلیه قوانین و ترتیبات آنها مخالف است با ترتیبات اروپائی ها بوجهی ندارند مسئولیت وزراء ندارند يك ترتیبات مخصوصی دارند بعضی مالیات های مستقیم که در بعضی جاها دارند آنجا ندارند اداره ثبت اسناد که ما در اینجا داریم آنجا هیچ ندارند و همچون مستخدمی باید بماند در ایران و کار بکنند و ما هیچ متوقع نخواهد بودن اینکه اطلاعات از ترتیبات اینجا پیدا کند او می تواند در اندک زمان تهیه ببینند که ما از آن آسوده باشیم حالا ما نظر امریکائی ها را این جا در دست نداریم و نمی دانیم ولی مأمورین اروپائی که فعلاً در خدمت ایران هستند آن ها خوب مطلع هستند اداره گمرک ماهه مطلع هستند که خوب اداره است یکی از ادارات منظم ایران است که ما هیچ اداره بهتر از او نداریم از نظم و ترتیب هیچ وزارت خانه و اداره شده ترتیب اداره گمرک نیست عایدات آن سال بسال رو باذیاد است و ترتیبات معین و تفتیشات معین داخل خرج معین اطلاعاتی داریم که این مأمورین دارند از ایران بقدر کفایت است بقدر اینکه شاید تادو سال دیگر هم مأمورین جدیدی این میزان اطلاع را پیدا نکنند و خرج و دخل ملکات آنها خوب مطلعند چه آنکه از خارج اطلاع پیدا کرده اند و چه بواسطه اینکه خودشان مدتی متصدی امر صندوق داری و خزانه داری بوده اند اطلاع حاصل کرده اند و حالا مستخدمینی که از امریکا می آیند دوسه نفر از آنها مأمور خزانه هستند و دوق نفر آنها برای مالیات مستقیم هستند اینها در مرکز هستند و حالا بر فرض اینکه ما فرض بکنیم که آنها بعضی آمدن در مرکز نشینند و مشغول کار بشوند خیلی خوب هم می توانند در چند روز مطلع شوند و معایب و نواقص کار را دانستند و در این ملکات بطور صحیح ترتیب تفتیش را فراهم کنند ولی در مرکز هستند تفتیش آنها که در مرکز نباید باشد باید در ولایات باشند در محل های دور باید تفتیش گردد که پول می رسد یا نمی رسد تفتیشی که مالیات در نظر داریم همین که ببینیم وجود در همان محلها مصرفی که تصویب می کنیم می رسد یا نمی رسد واضح تر عرض می کنم اگر گفته میشود در فلان محل ماهی پنج تومان یا شش تومان

بسیار داده شود بهیچیم باد داده میشود یا نمیشود یا آن عده در آنجا هست یا نیست برای کار چه خواهیم کرد باز برای این کار باید رجوع بمأمورین اروپائی دیگر کرد اگر این مأمورین را هم تازه بخواهیم بیاد آوریم گذشته از این که این اسباب تمویق کاری شود آنها هم يك مدتی باید کار بکنند که اطلاعاتی حاصل کنند تا بتوانند بخواهی از عهده وظیفه خودشان بر آیند الان هم بهیچیکه برای تفتیش تعیین شده است بطوری که در راپورت کمیسیون ملاحظه فرمودید قیام شده است که مرکز مرکب باشد از ۱۴ نفر که ۷ نفر آنها از مستخدمین اروپائی باشد که فعلاً در تهران هستند و ۷ نفر از ایرانی هائی که در وزارتخانه های مختلفه تعیین می شود بعد آنها نظامنامه موادی که راجع به ترتیب تفتیش می نویسند که در ولایات بتوسط آن مأمورین اروپائی که در سرحدات و در ایالات هستند بموقع اجرا گذاشته شود که بتوسط مأمورین که از این جا مأمور میشوند باید مدتی بسیار در آنجا کار بکنند و راه را یاد بگیرند بعد مشغول کار شوند در صورتی که امروز امریکائی ها می آیند این جا يك دستور برای کار بکارند باز ناچاریم بگوئیم بتوسط این مأمورین اروپائی که در ولایات داریم بموقع اجرا بگذارند یا این که بگوئیم که باز باید يك عده دیگری از امریکا وارد کنیم برای این که بروند در ولایات و ایالات و آنها را اجرا کنند و البته تصدیق می فرمایند که چقدر مدت لازم دارد از برای این که این مسئله بمجلس بیاید و از مجلس بگذرد و آنها را بخواهیم و این تمویق شما نتیجه اش چه خواهد شد و این ترتیب تفتیش که فعلاً دولت در نظر دارد و مشغول هستند عرض کردم این وجه استقراض از يك نقطه نظر خیلی اهمیت دارد ولی تفتیش چهار پنج کرور چندان مطلبی نیست و اینقدر چیز مهمی نیست و اگر فرض کنید که ده کرور برای مخارج قشونی تحصیل شود فرار گذاشتند که ۳ کرور آنرا ازوجه استقراض بدهند و ۷ کرور را از مالیه ملکات چه فایده خواهد داشت که در ۳ کرور تفتیش بکنیم و در ۷ کرور تفتیش بکنیم باید تمام ده کرور را تفتیش بکنیم و همچنین سایر موارد ملکات را که بهصاف این ملکات برسد آنها را هم باید تفتیش بکنیم تا این که بتوانیم نتیجه از تفتیش ببریم والا اگر هم خودمان را مصرف این بکنیم باین که در يك قسمت تفتیش بکنیم و در يك قسمت تفتیش نکنیم این هیچ فایده نخواهد داشت لایحه که بنویسند در کمیسیون هفت تفتیشی ملاحظه خواهند فرموده می نویسند که هیشکی در مرکز بهیچ شکل که مرکب شده اند معین شوند برای کلیه عواید ملکات و در ایالات و ولایات بتوسط همان مأمورین اروپائی که در نقاط دیگر هستند بموقع اجرا بیآورند و در نقاطی که مأمورین اروپائی نیستند از قبیل نقاط مرکزی ملکات در این جا بنا هم مأمورین اروپائی بسیار فرستند و مطلع است اروپائی هائی که چند سال است در ایران هستند و در کار هستند و نکات مهمه تفتیش را می دانند این ها بهتر می توانند تفتیش

بکنند اینکار در همان محلها و در هر نقطه باشد فرق نمی کند و قیماً اگر بخود آن آمریکائی ها تکلیف بکنید که يك وجهی می خواهیم ما استقراض بکنیم و در آن مخارج می خواهیم تفتیش بکنیم شما يك ترتیب تفتیش از برای مخارج بدهید = این وجوه بهصاف حقیقی خودش برسد بقیاسها خواهند خندید که ما معجزه نمی توانیم بکنیم و باید يك مدتی بمانیم تا اطلاعات پیدا بکنیم (مسئول) یکی از اشخاص مدیر و اداره کن بود در مملکت خودش مسروق هستند پنجسال اینجا بود تا توانست يك اداره گمرکی دائر کند حالا اینها هم يك مرتبه چه می توانند بکنند علم دارند عمل را هم در جای خودش دارند اما درجائی که آنها هیچ اطلاعی ندارند نمی توانیم از آنها يك مرتبه يك چنین توقعی بکنیم بده عارض نمیکنم که آنها بالاخره هیچکاری برای ما نمی کنند خیلی کار می کنند خیلی هم استفاده خواهیم کرد از آن ها لیکن اینکه آنکارا بگذاریم تا آنها بیایند این توقعی است که بی نتیجه خواهد بود نهایت نظر بیکه می فرمایند چون در ایران نداریم اشخاصی که علم این کار را داشته باشند این را تصدیق داریم که این قبیل اشخاص نیستند ولی بکنند هستند اشخاصی که اطلاع دارند و می توانیم بآنها واگذار کنیم که این کار را بکنند چنانچه حالا گذشته ازین که گمرک يك اداره مرتب است در وزارت خارجه يك عملی بود راجع بعمل عواید وزارت خارجه عایدات مذکوره و باره عایدات دیگران يك ترتیب تفتیش از دو سال قبل در اینها دادند بتوسط همین مأمورین اروپائی سرحدات که عایدات آن بواسطه این تفتیش در دو سال قبل باین طرف سه برابر سه سال قبل شده و این ترتیب بتوسط همین مأمورین اروپائی شده و آن از زیاد عایدی بواسطه تفتیش صحیحی است و بواسطه این است که این تفتیش در دست اشخاص صحیح و لایق بوده است که عایدات زیاد شده است همین اداره گمرک صورت آن را بخواهید ببینید که نتیجه هفت سال قبلشان تا امروزه چه بوده است این تفاوت از راه این است که آنوقت اطلاع کامل نداشتند بقدر امروز بعد از آن که اطلاعاتشان بیشتر شد این نتیجه را بخشید حالا امروزه می دانید دولت احتیاج بوجه دارد و قرض کردن هم می دانید برای هر دولتی ننگ نیست برای اینکه هر دولتی که با بایناره تجدید گذاشت در ابتدای کار ناچار از قرض کردن خواهد بود بجهت اینکه تأسیسات جدید و اصلاحات جدید اساسی محتاج بخرج خواهد بود فرض بفرمایید يك تجاری اگر خواهد تجارتي بکند باید بدو يك مخارجی بکند و کار را راه بیندازد تا بعد فایده و نتیجه برد هیچ نمیتواند تاجر بگوید اول منافع خود را مشترکها بیآورند بن بدهند تا اینکه بدهی سرمایه را که جمع کرده و دخل کردم آنوقت مال التجاره به شما بدهم هیچ همچو چیزی نمیشود همین طور است حال بکدواتی که باید باره تجدید میکند تا چند سال دیگر باید فرض بکنند تا بوجه خودش را ترتیب بدهد و ضمناً سعی بکنند عواید خودش را مقابل بکنند بمخارج

این مذاکره میشود که بوجه مملکت ما هنوز نمیتوانیم این چیزی نیست که ما مانع این معین است و روی کفایت گذاشته اند و می دانیم جمع بیست و پنج کرور و خرج بیست و هفت کرور یاسی کرور در هر حال يك مبلغی خرج اضافه است اما این را هم می دانیم این سی کرور بایدست و هفت کرور خرج این يك مبلغی است که حتماً باید خرج شود ولی در مقابل آن بیست و پنج کرور دخل فعلاً يك چیز موهومی است زیرا که می بینیم در يك قانس تنها در یکسال از بابت مالیات شصت هزار تومان باقی است از خراسان يك قدری باقی است و هنوز تمام وصول نشده است لرستان و بروجرد هنوز وصول نشده است و همچنین در جاهای دیگر آیا میخواهیم به بینیم که در این تغییر حمل از ایت تیل به تنگنژیل يك تغییر کلی و طبیعی در جو ایران شده است که حالا مالیات میدهند و امیدواری که هست این است که از حالا يك اقداماتی بکنند و يك قوای فراهم بیآورند در نقاط مختلفه که بواسطه آن قوای توانسته مالیات مملکت را در سال آتی وصول بکنند و بتوانند جلو گیری از اشخاص بکنند و جلو گیری از اغتشاشات بعضی الزام و اشرار که چند سال است مالیات را ندادند و گمان میکنند که اگر هر سال اینکار را بکنند از دادن مالیات آسوده خواهند بود بشود در صورتیکه اگر يك پولی بود دولت بدو يك قوائی تهیه کرده بود یقین است که این اغتشاشات فراهم نمی شد حالا هم دولت اگر این اقدامات را فراهم بیآورد شاید مالیات خودش را وصول کند و اگر این استقراض را بکنند بدین خواهد شد از یازده سال باز در یازده سال يك سرمایه بدست دولت بود که در هر موقع خرج کرد امسال آنهم نیست تصور بفرمایید که اگر این وجهی را که دولت در سه ایت تیل متفرقه خرج کرد اگر بیکمرتبه بدست دولت میآید میتواند در يك استمدادی قبلاً در آن نقاط حاضر داشته باشند محتاج باین خرج فوق العده نبودند و نتیجه هم می گرفتند در صورتیکه حالا می بینیم پول رفته و اثری هم باقی نگذاشته است زیرا ایش دولت همه منتظر بودند هر جایک صدائی باشد میشد بقبال میانند که بزرگت زیاد وجهی برای تهیه وسایل جلو گیری فراهم میکردند معلوم است اگر قبلاً پنجاه هزار تومان بایست خرج شود شاید در موقع گرفتاری سه هزار تومان دو برابر یا سه برابر خرج میشد این مسلم است اگر يك وجهی دولت تهیه کرده بود که بآن میتوانست آن اردوئی که برای شیراز کاشان فرستاده بود نگاهداری کند و حقوق آنها را بدهد و آن قشون را آنجا نگاه بدارد البته محله بهودها را سرباز دولتی نمی چایید و آن اسباب فراهم نمیشد این مسلم است که اگر رودخانه آبرو هر روز بخواهند يك تل آهک جلو آن بریزند تمام آن آهک صد هزار خروار هم باشد هدر میرود و جلو آن آب بند نمی آید در صورتی که اگر يك مرتبه يك پولی خرج بکنند و يك سدی بینند شاید صد خروار بیشتر آهک نخواهد پول زیادی هم خرج نمی شود وهم جلو آن آبرو بند کرده اند و این محل نزدیک نیست یازده سال تا حالا ممکن بود اگر دولت پول حاضر میداشت این پولها را که داده اند و خرج کرده اند و بالاخره نتیجه مطلوبه را هم نگرفتند به نصف یا به ثلث او که خرج نکنند این نتیجه را بگیرند و حالا که

نکردند اینطور شد حالا هم نظر دولت بهمین مسئله است که از حالا که ابتدای بهار است استمدادی حاضر بکنند معلوم است اغتشاشات همیشه در موسم گرفتن مالیات بروز میکنند و باید در این نقاط مختلفه مخصوصاً آنجاها که مالیاتشان را ندادند استمدادی حاضر بکنند که مالیات را بگیرند اگر این استمداد را حاضر نکنند مسلم است مالیات امسال هم مثل سالها خواهد شد آنوقت لازم نیست بفرمایند بیست و پنج کرور عایدات داریم بفرمایند سی و پنج کرور بفرمایند پنجاه کرور وقتی که بشود وصول شود بفرمایند هزار کرور اینصورت بوجه که آورده اند این يك چیزی است که همه میدانیم که در این بوجه چیست و در این بوجه چه نوشته اند و چه وصول میشود و چه وصول نمیشود عنوان دیگری اگر بشود این دیگر تجامل واضحی است يك چیزی را می بینیم و میگوئیم نمی بینیم این چراغ را می بینیم روشن است و میگوئیم روشن نیست اگر برای تفتیش است ترتیب تفتیش هم آنطوریکه فرمودند برای اول کار است و تصدیق هم بفرمایند که اینها فعلاً بهتر از کسانی هستند که تازه وارد خواهند شد اگر مطلب دیگری است بنده نمی دانم

**رئیس -** مذاکرات در کلیات کافی نیست ؟  
**و سید المملک -** خیر کافی نیست ( بعضی گفتند کافی است )  
**رئیس -** رأی میگیریم باینکه مذاکرات کافی است یا خیر آنگاه باینکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند ( با اکثریت ۲۸ رأی تصویب شد )  
**رئیس -** حالا رأی میگیریم در اینکه داخل در مواد بشویم آیا باینکه تصویب میکنند قیام نمایند ( اغلب قیام نمودند )  
**رئیس -** با اکثریت ( ۱۰ ) رأی تصویب شد راپورت شعبه پنجم راجع به نماینده کروس جزء دستور امروز است و باید رأی گرفته شود ( راپورت مزبور بهصورتیکه در جلسه سابق خوانده شده بود قرائت شد )

**افتخار الواعظین -** چنانچه نظامنامه انتخابات بنظر مبارک آقایان رسیده است آنجا يك تبیینی دارد که بنده آن قید را با راپورت شعبه مخالف می دانم در نظامنامه انتخاباتی می گوید مستخدمین نظامی بری و بعضی که مشغول خدمت باشند آنها از انتخاب شدن محروم هستند معلوم می شود اگر کسی از اهل نظام دولت او را مأمور کرده باشد متلاً مخلو باشد در بوشهر اگر اینجا انتخاب بکنند معلوم است مطابق این ماده و این قید البته انتخاب او صحیح نخواهد بود اما اگر کسی داخل در مأمورین نظامی است ولی داخل در خدمت نیست یعنی مأمور محلی نیست متلاً کسی سرتیپ فوج است خودش و فوجش از طرف دولت امروز مأمور نیست باینکه در يك محلی ساخو باشد باینکه مرخص باشد خودش و فوجش در منزلشان مشغول خدمت نظامی نباشند موافق آن قیدی که در نظامنامه هست اگر انتخابش کنند انتخاب او صحیح خواهد بود حالا اینجا باید بفرمایند که سالار الملک که سرتیپ يك فوجی است آیا در موقع انتخاب از طرف دولت مأمور هم بوده است و از طرف وزارت جنگ با و مأموریتی داده شده و در سر خدمت بوده که انتخاب شده اگر اینطور است البته انتخابش باطل است و اگر

چنانچه از طرف وزارت جنگ يك سمتی مأموریت نداشته است فقط سرتیپ بودن را با اینک مرخصی باشد و در خانه خودش باشد بنده او را کافی از برای بطلان انتخاب او نمی دانم و باید تحقیق کرد که مأمور بوده است یا خیر

**حاج عز المملک -** اینجا باید دانست مقصود از مأمور بودن او همین است که داخل در خدمت نظامی بوده است از وزارت جنگ در همین خصوص سؤال شد وزارت جنگ اینطور نوشته در جواب که سرتیپ بو و حالا هم هست بنده خود سالار الملک شرحی نوشته بود و تقاضا کرده بود که در این باب در شعبه حاضر شود توضیحاتی بدهد و مطالب خودش را بگوید و رسیدگی شود او که حاضر شد در حضور خود و اصحبت شد و اقرار کرد که فوج کروس در تحت اداره او نیست فقط چیزیکه او می گفت که از طرف او بکفالت سرتیپ بافوج بمأموریتی داشته است بوده است و در موقع انتخاب او آن سرتیپ آن فوج را به کردستان برده است و فقط همان طور که فوج در خانوادگی او بوده است همانطور در اداره او بوده است و گت در این خصوص تصدیق از وزارت جنگ هم دارم و خواهم فرستاد و امروز آن تصدیق را فرستاده و بنده عرض خواهم کرد و بعد رأی مجلس در این خصوص قاطع خواهد بود ( تصدیق وزارت جنگ بمضمون ذیل قرائت شد )  
آقای سالار الملک بطوری که در جواب مجلس شورای ملی نوشته شده چنانچه عالی سر کرده این فوجید ولی دو سال است طهران هستید قانیان سرتیپ سرباز و بافوج مأمور کردستان و سر خدمت بودند و چنانچه عالی در ( آکتیو ) نبوده اید بشهر ریبع الثانی ( از طرف وزیر جنگ امر اعظم )  
حالا معلوم است که این ماده ترجمه شده از قانون اروپا است و گمان نمی کنم که اینجا این سرتیپ باشد که يك کسی سرتیپ باشد فوج هم در اداره اش باشد و داخل در نظام نباشد آنجا نمی دانم همچو ترتیبی هست یا نیست اگر نبود که می شود انتخابش کرد اگر هست نمی شود انتخابش کرد ممتناً این فوج در اداره او بوده است و او خودش سرتیپ در ( آکتیو ) است وزارت جنگ مأمور بوده است و سرتیپی که از طرف من طهران بوده ام و سرتیپ دیگری سر کرده کی آن فوج را کرده است و در اداره من نبوده حالا بنده برای مجلس است

**شعبه پنجم عقیده داشت که چون داخل در نظامی بوده و يك فوجی هم در اداره او بوده است آن داخل در نظام است و بوجه ماده سوم و چهارم نظامنامه انتخابات با اتفاق حاضرین شعبه رأی بطلان انتخاب او دادند**

**حاج آقا -** عرض دارم  
**رئیس -** مخالف هستید  
**حاج آقا -** خیر سئوالی داشتم اگر جواب بدهند  
**رئیس -** سؤال بفرمایند  
**حاج آقا -** عرض می کنم این راپورتی که داده اند مطابق سئوالی که شده و از طرف وزارت جنگ جواب نوشته شده است همچو می فهماند که این شخصی در خدمت نظامی نبوده چون بعضی



مناسب هست که داخل در خدمت نبوده و نیستند اگر این ترتیب بوده است و داخل در خدمت نبوده مثل سرتیپ های سابق که خارج از فوج می گفتند این هیچ مانع انتخاب از نخواهد بود باید اعتبارنامه اش را صحیح دانست .

رئیس - این سؤال نیست .

حاج آقا - بلی سؤال می کنم ولی باین طوری که مغیبر محترم شعبه بیان کردند من واقفاً نفهمیدم که این سرتیپ است و فوج دارد یعنی مواجب بگیر دولت است یا آن که منصب او افتخاری است اگر منصب افتخاری باشد بشود جزو نظام دانست .

حاج عز الممالک - البته مناصب افتخاری مانع از انتخاب کسی نیست چنانچه خیلی ها هستند که صاحب منصب نظامی بوده اند ولیکن در موقع انتخاب صاحب منصب نظامی نبوده اند در شعبه اینطور رأی داده شده و مدال شد که اداره کردن یک فوجی لازم نیست که سرتیپ همراهِ باشد مثل اینست که داخل در خدمت است .

رئیس - گمان میکنم مذاکرات در این باب کافی باشد یک اعتبارنامه دیگری هم - همچون عده کافی نیست میخوانیم آنوقت هر دو رأی میگیریم اگر مخالفی بود طبع و توزیع میشود .

(رأیورث شعبه پنجم بمبارت ذیل قرائت شد) در تاریخ بیست و پنجم شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹ شعبه پنجم چندجلسه توالی در تحت ریاست آقای معزز الملک منتهی گردیده در خصوص اعتبارنامه میرزا لقمان کلیمی که از طرف کلیمیان شیراز - کاشان - استهبان - همدان انتخاب شده مذاقه لازمه نموده چون انتخاب ملل متوجه در نظامنامه انتخابات مصرح بیک درجه با در درجه نیست از طرف کلیمیان تهران نیز میرزا عزیز الله انتخاب شده صورت مفصل انتخاب کلیمیان ذیلا بر عرض مجلس می رساند انتخاب میرزا لقمان از نقاط منفرجه با اکثریت ۲۸۴ رأی همدان تاریخ پنجم حوت با اکثریت نامه ۹۷ رأی استهبان ۱۰ شوال با اکثریت ۳۳ رأی کاشان ۲۲ صفر ۱۳۲۸ با اکثریت ۴۷ رأی شیراز محرم ۱۳۲۸ با اکثریت ۱۱۱ رأی میرزا عزیز الله انتخاب کلیمیان طهران با اکثریت دو بیست و هفت رأی پس از مذاکرات لازمه در تحقیقات از رئیس شعبه انتخابات وزارت داخله چون میرزا لقمان نسبت بمیرزا عزیز الله اکثریت آراء دارد در نظامنامه تصریح بانقلاب در درجه نیست شعبه پنجم با اکثریت آراء صحت نمایندگی میرزا لقمان را تصدیق و موکول به رأی مجلس مقدس می نماید .

رئیس - اول رأی میگیریم برایورث شعبه پنجم راجع بنمایندگروس چنانچه ملاحظه فرمودید شعبه پنجم تصویب نکرده است انتخاب نمایندگان او را آقایانی که موافق هستند با رأیورث شعبه قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد) .

رئیس - حالا رأی می گیریم به رأیورث

شعبه پنجم راجع بنمایندگرمیان اگر مخالفی نیست  
حاج شیخ اسدالله - بنده مخالفم .  
رئیس - پس باید طبع و توزیع شود .  
حاج شیخ اسدالله - بنده استرداد میکنم مخالفت خود را .

عز الممالک - بنده مخالفم .

رئیس - پس همان طبع و توزیع می شود دستور سه جلسه تعیین می شود دستور پنجشنبه ۲۷ رأیورث کمیسیون بودجه راجع بودجه موزل - لایحه استراض دستور شنبه ۲۹ رأیورث کمیسیون بودجه راجع بامتدادسیم بگلیایگان و غونسار و مجلات قانون ثبت اسناد سه شنبه دوم چغادی اولی شور دوم قانون استخدام لوابح تشکر به نجف اشرف آقامیرزا احمد فرمایشی دارید بفرمائید .

آقای میرزا احمد - بعد از تنفس آقای رئیس بعضی فرمایشات فرمودند و در آخر فرمایشاتشان یک اختطاری بود کلای آذربایجان قبل از وقت فرمودند چون بنده یکی از وکلای آذربایجان هستم لازم دانستم که کلمه عرض کنم اینست که فرمودند تلگرافی از آذربایجان آمده است صحیح است تلگرافی رسیده در روزنامه هم درج شده است ولی در رسیدن یک همچو تلگرافی نمی شود گفت که وکلای آذربایجان هم عمل خواهند کرد و کلای آذربایجان خودشان مسجون هستند و می دانند که هر چه بر طبق عقیده شخص خودشان باشد که لازم و کالت است عمل نکنند و عمل خواهند کرد چه موافق باشد آن عقیده شخصی با عقیده اهل آذربایجان چه مخالف باشد بلکه می خواهم عرض کنم که تخصیص بیک ولایت مخصوص ندارد و کلای سایر ولایات هم اگر یک وقتی آنها عقیده در مطلبی داشته باشند و آن عقیده مخالف باشد با عقیده اهالی آن ولایتی که از آنجا انتخاب شده اند آن وکلای با بر طبق عقیده خودشان رأی خواهند داد با از کالت استقامت می نمودند و کلای آذربایجان چه غالبان بلکه تمامشان مخالف بوده اند باین استراض باین ترتیبی که دارد می گذرد ولی هیچوقت خیال نداشتند از مجلس خارج بشوند بنده سراغ ندادم یک نفر از وکلای که خیال داشته باشد از مجلس خارج شود و در این مقام هم نیستیم که تصدیق کنم یا رد کنم خارج شدن از مجلس را که خلاف قانون است یا موافق قانون است مخالف نظام مجلس است یا موافق نظام مجلس است در صورتیکه بعضی اشخاص عالم هم دفاع از این مطلب کردند و فرمودند خلاف نظم نیست و خلاف قانون هم نیست مثل مرحوم صبیح الدوله که ایستادند و علناً فرمودند که این مخالف با نظامات مجلس نیست و از مجلس بیرون رفتند حالا کار بان مسئله نداریم ولی نمی دانم چه شد که کاسه و سکوژه تمام بر و کلای آذربایجان شکست و اختطار راجع بوکلای آذربایجان شد و این اختطار را بنده مقاصد قبل الجایه می دانم و هیچ راجع بوکلای آذربایجان نیست و اول باید هوانی از طرف وکلای آذربایجان شده باشد که می بینیم بعد آقای رئیس این اختطار را بکنند .

رئیس - عرض می کنم که بنده اولاً اختطار نظامنامه نکردم که از نظم خارج شده باشد و چون اطمینان به من نداده بودند قبل از وقت که این اتفاق خواهد افتاد این بود که اعلام کردم که این اتفاق نیفتد مقصود این است که سوء تفاهمی نشده باشد اختطار نظام نامه نبوده است اختطار نظامنامه بوده عرض می کردم برای اینکه از دایره نظم خارج شده اند اختطار می کنم این اختطار عین اعلام بود .

(در این موقع رئیس حرکت کرد) .

[دو مجلس یک ساعت و ربع از شب گذشته ختم شد] .

جلسه ۲۴۰

صورت مشروح روز پنجشنبه ۲۷ شهریور

ربیع الثانی ۱۳۲۹

سه ساعت و نیم ذیل از غروب آقای مؤتمن الملک بجای خود جلوس نموده سه ساعت پفریب مجلس رسماً افتتاح شد صورت مذاکرات جلسه ذیل را آقای معاضد الملک قرائت نمودند .

(غائبین جلسه ذیل)

آقا سید محمد رضا - معین العرابی - آقا شیخ ابراهیم ذنجانی - آقا میرزا علی اکبر شایان دهخدا (بدون اجازه غائبین)

حاج شیخ علی خراسانی مریض - ناصر الاسلام سه ساعت از شب التجدار چهل دقیقه بوقت مقرر حاضر نشدند .

معتمدالتجار - به آقای معین العرابی بامدتی است مریض هستند در صورت مجلس او را غائب بی اجازه نوشته اند .

رئیس - اطلاع نداده اند .

خیابانی - در صورت مجلس نطق آقای رئیس نسبت بوکلاه آذربایجان طوری نوشته شده است که سوء تفاهم میشود فرمودید اگر وکلای آذربایجان بخواهند در این امر اقدامی بکنند و از مجلس خارج بشوند یک دقیقه در این مجلس ریاست نخواهم کرد و این بود فرمایش سرکار و حال آنکه در اینجا طوری نوشته شده است که میفهماند که از آن عملی که دارند معاف خواهند بود خوب است صراحتاً بنویسند که سوء تفاهم نشود .

رئیس - اینهم مقصود همین است اینجا نوشته شده است از آن شفلی که بنده سیرده شده است یعنی شغل ریاست معاف خواهم بود ملاحظه دیگری نیست ؟

[گفتند خیر] .

دستور امروز لایحه استراض رأیورث کمیسیون بودجه راجع بودجه موزل - چون آقایانی که تقاضا کرده بودند که رأیورث کمیسیون بودجه راجع بودجه دکتر موزل در جزء دستور بیاید اصرار دارند که زودتر بگذرد و چون هیئت دوزا هم تماماً حاضر نیستند اگر مخالفی نیست آنرا مقدم بداریم .

(اظهار شد مخالفی نیست)

رأیورث کمیسیون فوائد عامه است که مغیبر داده اند راجع بتعریفه تلگراف طبع و توزیع خواهد شد .

[رأیورث کمیسیون بودجه برقرار ذیل قرائت شد] .  
لایحه وزارت مالیه راجع بتقاضای سالیانه نومان برای دوپسر و سه دختر دکتر موزل و سید نومان مادام الحیوة برای عیال دکتر موزل مطرح گردیده نظر بانکه دکتور موزل سنوات متادیه نسبت بدولت ایران خدمت کرده و در آن موقع که فوت شده عیال و اولاد او از حیث معاش بهالتی هستند که استحقاق مخصوصی دارند کمیسیون بودجه با اکثریت تصویب مینماید مطابق پیشنهاد وزیر بترتیب ذیل در حق عیال و اولاد او حقوق برقرار شود .

(۱) سالیانه پانصد تومان در حق دوپسر و سه دختر دکتر موزل پسرها تا انتضاء مدت تحصیل و دخترها تا موقع شوهر رفتن حقوق برقرار شود (برقراری این حقوق متجاوز از هشت سال نخواهد بود) .

(۲) سالیانه سیصد تومان بمبال دکتر موزل مادام الحیوة داده شود .

رئیس - مذاکرات در کلیات است مخالفی نیست .  
(گفتند خیر)

رئیس - پس رأی میگیریم که داخل در مواد شوم آقایانی که موافقت دارند که داخل در مواد شوم قیام نمایند با اکثریت تصویب شد .  
[قره اول دوباره قرائت میشود] بمبارت ذیل خوانده شد .

(۱) سالیانه پانصد تومان در حق دوپسر و سه دختر دکتر موزل - پسرها تا انتضاء مدت تحصیل و دخترها تا موقع شوهر رفتن حقوق برقرار شود (برقراری این حقوق متجاوز از هشت سال نخواهد بود) .

حاجی آقا - آن قید اولی که کرده اند که برقراری پسرها تا انتضاء مدت تحصیل و دخترها تا موقع شوهر رفتن و بعد نوشته اند برقراری این حقوق بیش از هشت سال نخواهد بود تناقضی ندارد خوب بود یا آن حد را قرار بدهند یا این حد را خوب است مرادشان را بیان کنند .

حاجی عز الممالک - اینجا ممکن بود که هر دو این مسئله هم در حق پسرها هم در حق دخترها بیشتر منظور بشود ولی چون یک حد انتهائی لازم بود که کمیسیون بودجه در حقیقت نظارش به هشت سال بود ولی در ضمن هشت سال اگر دخترها شوهر رفتند و پسرها فارغ التحصیل شدند آنوقت آن حقوق مقطوع خواهد بود و در حقیقت آنها همان هشت سال خواهد بود و ممکن است زودتر از هشت سال هم داده نشود .

ناصر الاسلام - توضیح آقای مغیبر بهیچ وجه کافی نبود مدت هشت سال مدت حقوق آنها را قرار دادن و قید کردن اینکه پس از اتمام تحصیل پسرها و بشوهر رفتن دخترها باین کیفیت طور است که معلوم نمیکند ممکن است پسرها در مدت ده سال فارغ التحصیل شوند و ممکن است دخترها اطفال کوچک اشند و مدت بشوهر رفتن آنها بیش از اینها

باشد در هر حال قید کردن هشت سال را بنده غلط میدانم دولت که می خواهد مساعدتی بکند در حق ورثه دکتر موزل معنی قدر شناسی و حق شناسی این است که بآنها مساعدت بشود تا پسرها تحصیلاتشان تمام شود و دخترها هم شوهر برونند بنده پیشنهاد میکنم که جزء اخیر حذف شود و همان جز اول آنها رأی گرفته شود .

رئیس - پیشنهاد را کتباً بنویسید بفرستید چون ماده دوم یا ماده اول مربوط نیست می توانیم شروع کنیم بمذاکره ماده دوم (ماده دوم بمبارت ذیل قرائت شد) .

(۲) سالیانه سیصد تومان بمبال دکتر موزل مادام الحیوة داده شود .

رئیس - مخالفی نیست در این باب گفتند خیر  
رئیس - رأی میگیریم آقایانی که موافقت با ماده دوم ورقه سفید خواهند انداخت (اوراق رأی اخذ شده و آقای حاجی میرزا رضا خان احصا نمود) .

رئیس - با اکثریت ۵۰ رأی تصویب شد  
اسامی تصویب کنندگان .  
سلیمان میرزا - شیبانی - ادیب التجار - صدرالعلماء - آقا شیخ ابراهیم - حاجی سید نصرالله حاجی مصدق الممالک - دکتر اسمعیل خان - ذکاء الملک - آقا سید جلیل - دکتر حیدر میرزا - انتظام الحکماء - معین السلطنه - آقا سید محمد رضا دکتر علی خان - منتصر السلطان - حاجی محمد کریم خان - آقا میرزا رضا خان نائینی - حاجی محمد صادق علی زاده - آقای طباطبائی - ناصر - الاسلام - اسان الحکماء - مشیر حضور - آقامیرزا مرتضی قلی خان - انتظار الواعظین - ازباب کعبخورد - دکتر حاج رضا خان - آقامیرزا رضای مستوفی - آقامیرزا احمد - تربیت - ابوالقاسم میرزا - نیر - السلطان - ضیاء الملک - آقای شیخ غلامحسین آقا میرزا ابراهیم خان - فهم الملک - آقا سید حسین اردبیلی - معاضد الملک - معتمد التجار - آقا شیخ علی شیرازی - وحید الملک - حاجی آقای شیرازی - دکتر ابررخان - حاجی شیخ الرئیس - آقا شیخ رضای دهخدا و آقای - حاجی سید ابراهیم معزز الملک - معذل الدوله - محمد هاشم میرزا - آقا اسدالله خان کردستانی

رئیس - در ماده اول دو قره پیشنهاد شده است یکی از آقای ناصر الاسلام و دیگری از حاج مصدق الممالک می خوانیم و رأی میگیریم اگر تصویب شد باید برگردد بکمیسیون (اول پیشنهاد آقای ناصر الاسلام بمبارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد می کنم که قسمت اخیر ماده اول که مدت حقوق را هشت سال معین می کند حذف شود و قسمت اول رأی گرفته شود .

حاجی عز الممالک - اینجا مختصراً کمیسیون بودجه در همین نظر کرد که مدت اکثر این حقوق همین هشت سال باشد و این با جمیع ملاحظات بود حالا اینطور رأی می دهند معلوم نمیشود که آنهاش تا کر خواهد بود و بالاخره مدت هشت سال

را کمیسیون رأی داد و آن دو شرط برای این بود که اگر زودتر از این مدت تحصیل پسران تمام شد و دختران زودتر بشوهر رفتند دیگر این حقوق داده نشود و مدت اکثری که کمیسیون رأی داده همان ۸ سال است .

وزیر امور خارجه - این مسئله هشت سال حذف شود اولی است برای اینکه اگر بخواهیم تجدید بکنیم مدت تحصیل باشوهر رفتن آنها را این اسباب زحمت خواهد شد برای اینکه ممکن است در عرض هشت سال دخترها بشوهر نروند و پسرها تحصیلاتشان تمام نشود آن وقت دوباره این مسئله باید محل مذاکره شود پس همان اتمام تحصیل و شوهر رفتن دخترها بهتر حدی است که حقوق بآنها داده شود .

حاجی سید ابراهیم - در کمیسیون مذاکرات شد و معلوم شد که این پسرها بعد از هفت و هشت سال فارغ التحصیل می شوند و آن دخترها هم شوهر می کنند و بعضی از ایشان هم شوهر کرده اند و گفتیم که اکثر مراتبی که برای مدت تحصیلشان بشوهر رفتنشان تصور میشود همان هشت سال است و زیاد بهر هشت سال نخواهد بود باید همان حد اکثر معین شود و نظر کمیسیون بودجه هم همین بود که این اکثر مراتب هست

رئیس - رأی می گیریم باین اصلاح آقایانی که موافقت قیام نمایند (رد شد)  
اصلاح آقای حاجی مصدق الممالک بمضمون ذیل خوانده شد .

بنده پیشنهاد میکنم در حق پسرها تا بیست سال بر قرار نمایند و در حق دخترها تا شوهر برونند  
حاجی مصدق الممالک - مقصود این است که پسرها تا سن ۲۰ سال که رسیده و دخترها تاوقتی که بشوهر برونند .

رئیس - ولی این اصلاح این مطلب را نمی فهماند .

حاجی مصدق الممالک - بله تا بیست سالگی این را در حق پسرها منظور بدارند و در حق دخترها تاوقتی که بشوهر برونند مجدداً باین ترتیب خوانده شد .  
بنده پیشنهاد می کنم در حق پسرها تا سن بیست سالگی بر قرار نمایند و در حق دخترها تا شوهر برونند .

رئیس - رأی می گیریم باین اصلاح آقایانی که موافقت قیام نمایند (رد شد)

رئیس - رأی میگیریم باصل ماده .

حاج شیخ الرئیس - پیشنهادی دارم تقدیم می کنم .  
رئیس - اصلاح آقای حاجی شیخ الرئیس خوانده میشود [مضمون ذیل قرائت شد] بنده پیشنهاد می کنم مدت برقراری هشت سال باشد و شروط سابقه حذف شود یعنی فراغت تحصیل و شوهر کردن .

حاج شیخ الرئیس - توضیحی هم دارم منظور که بعضی از نمایندگان محترم اظهار کردند این دو جمله هم باین دارند حالا که نظریات کمیسیون محترم







که بکفعلی کرده ایم حالاً آنرا سر مشق قرار بدیم و تکرار کنیم اما راجع بشرطی که در ماده پنج شده است این را هم بنده بی انصافی می دانم زیرا اگر بنظر بی طرفی و انصاف باین کلمه نگاه کنیم می بینیم که تمام این ماده شرط سیاسی است هیچ دولتی نمیتواند یک محل معین مشخصی را برای یک استقراض وثیقه قرار بدهد آنها را جمع بر سر حداث خودشان آنها را جمع بگردد آنها در شاندر میفرمایند که این مجرماً وثیقه از برای قرض خصوصی است که بانک دارند اولاً تمام این مجرماً نیست خودتان میفرمایند که مجرماً واهواز در این استقراض هست و در استقراض سابق نبوده و خودتان تصدیق دارید که کلاً طرف مستید باینک صراف خانه و جزء دیون عمری نیست لکن آن وقت بلیطها تمام است تمام دنیا خواهد بود زیرا اسهام به دست تمام دنیا خواهد افتاد در مقابل دیون عمومی متناهی مخصوصه تعیین کردن گویا متناهی که نزدیک باشد به مواضع نظامی بنده هیچ تصور نمیتوانم بکنم و در هیچ جاسراغ ندارم که یک دولتی عملی کرده باشد مگر یک دولتی که بخواهد به ترتیب ما عمل کنند یعنی این شرایط را بولتیکتی ندارند لکن بنده بمقتل ناقص و نظر کوتاه خودم عرض میکنم که این شرایط که در ماده پنجم ذکر شده است شرایط سیاسی است بنده عرض میکنم و باز عرض خودم را تکرار میکنم که شما کاری را که اینجا میکنید و مخارج را در عهده بانک میکنید و صدی دوازده و نیم هم نزل فراموش کنید از برای بانک این بکلی برضد منافع دولتی است و شایک بهره میدهد باینکه بنده عرض کردم بانک می تواند استفاده بکند از این اعتبار معنی که شما باو می دهید و آن وقت دوازده و نیم نزل فراموش کنید و شش در لندن استقراض کنند و آن وقت صدی پنج و نیم خودشان استفاده کنند و از این صدی پنج و نیم یا صدی چهار و یک ربع فرضاً از برای مخارج شما قرار بدهند آن وقت صدی چهار و نیم بانک استفاده میکنند از همین استقراض شما از اعتباری که شما میدهد باینکه از همین محل که اعتبار این استقراض است و تفاوت این مبلغ تقریباً از دوازده هزار و پانصد بلیط صد لیره تقریباً میشود به شصت هزار لیره قریب چهار صد هزار تومان اگر میخواهید یک همچو تفاوتی را بدهید بیک طرف خانه بنده هیچ حرفی ندارم ولی در صورتیکه یک تومان یک قران ای بودجه مملکت شما لازم است بنده عرض میکنم چرا اینکار را می کنید چرا شما می آید چهار صد هزار تومان را همین طور بدست خودتان بدهید بدست یک صرافى حالا خواهید فرمود که بانک چرا اینکار را میکند از برای شما اما این را هم بدانید که بانک یک طلبی دارد که هفت کرور است از آن طرف که هفت کرور پول میدهد باینکه یک فرض خصوصی دارید او را می دهید این خودش یک فایده است و بعلاوه یک حق عامی هم باو می دهید همین طوریکه از برای همان یک عمل صرافى میکند یک حق می گیرد چرا بیاید چهار صد هزار تومان دستی بدهد باینکه شما بیاید این را خودتان استفاده بکنید و از آن طرف هم بانک بقیه متقاعد خواهد شد که

هفت کرور پول بگیرد و از برای عمل خودش یک حق العملی می گیرد برای این بلیط های استقراضی و بنده این را هیچ تعجب نمی بینم از برای هیچ وزارت خانه در صورتیکه منافع خودش هم در آن باشد که این را تعقیب بکنند و از برای هیچ دولتی که این را قبول بکنند و بنده بازم خواهش میکنم از هیئت دولت که حتی المقدور این نقطه نظر را تعقیب بکنند و هیچ هم گمان نکنند که باین اعتباراتی که دارند و وثیقه می گذارند برای این استقراض یک میلیون و نیم لیره از برای آنها نایاب باشد و یافت نشود .

**وزیر مالیه - اینجا آقای وحید الملک**

در باب معمره واهواز بیان کردند خوب استرجوع باده سوم این قرار داد بکنید که معمره واهواز هم است این ترتیب نیست که ایشان فرمودند بکنی منافع تمام شده است و تمام این راه هارا که ایشان بیان میکنند همه اینها ملاحظه شده و بالاخره حاضر شده اند باین استقراض که این پیشنهاد را کردند و این را تصویب کرده اند و تصور نکنید که بدون شرایط بدون تمام آمدند این را پیشنهاد کردند **رئیس -** مذاکرات کافی نیست (اظهاری شد کافی است) پس رای میکنیم در نظام نامه تصریح شده است که باورقه رای گرفته بشود و حالا اگر بخواهند رای بگیرند پنج نفر باید تقاضا کنند که با اوراق رای گرفته شود .

**وحید الملک -**

این شور اول است نمی شود رای گرفت . **رئیس -** باید این معلوم شود بنده تکلیف خودم را نمی دانم و حرف در این است که این را شور اول می دانید یا یک شور باید بشود به حال ماده نظام نامه خوانده می شود که معلوم شود دوشور بشود یا یک شور .

**وزیر مالیه -**

سابقاً هم تقاضای فوریت این شده است . **رئیس -** بلی تقاضا شده است ولی رای گرفته نشده است . (در این موقع ماده ۹۰ نظام نامه به بارت ذیل قرائت شد) . ماده ۹۰ ترتیبات شور مرتبه اول و مرتبه دوم در مواد ذیل مجری نخواهد بود اولاً بودجه دخل و خرج مملکتی ثانیاً قوانینی که راجع بتقاضای وجوهی برای مخارج مخصوصی است ثانیاً قوانین راجع به منافع محلی در این سه فقره یک شور کافی است و مباحثات آن ترتیب موارد فوریت است چنانکه ذکر خواهد شد .

**رئیس -** عرض میکنم که اینجا این لایحه استقراض راجع به پنج کدام از این سه فقره نیست و قوانینی که راجع بتقاضای وجوهی از برای مخارج مخصوصی باشد نیست این همان مخارجی است که مادر موقع قانون معاسیات عمومی اسمش را گذاشتیم مخارج اضافی و منضمه و از منافع محلی هم نیست

بودجه دخل و خرج مملکت هم نیست در این صورت بمقتضای بنده دوشور باید بشود (صحیح است) و اما در مسئله وره ماده ۸۵ نظامنامه میگوید در موارد ذیل رای هفتی با اوراق حتمی است اولاً بمذاکره ایستکه دودقمه بواسطه نیام و نمود نتیجه شکوک باشد ثانیاً در تمام لوایح قانونی که تقاضای اجازه مخارج می نماید ثالثاً در لوایح قانونی که مالیات یا عوارض بر قرار می کنند و با مالیات و عوارض که سابقاً برقرار بوده است تغییر می دهد اینها که هیچکدام نیست پس بمقتضای بنده باید دوشور در آن بشود و بنده با وره رای گرفته شود .

**وزیر مالیه -**

وقتی که فوریتش تقاضا شده و بنده هم تقاضا می کنم دیگر دو شور لازم ندارد . **رئیس -** رای در فوریت را حالا نمی شود گرفت زیرا داخل در مواد شده ایم مگر آنکه تمام مواد در شور اول خوانده شود آن وقت در فوریت رای گرفته شود (فقره دوم لایحه استقراض قرائت می شود ماده دوم لایحه و زراعه به عبارت ذیل قرائت شد .

**ماده ۲ -**

ترتیب استهلاك و تأمین این استقراض از این قرار خواهد بود . (۱) اول وجه استهلاك از فرار صدی نیم بعد از پنج سال از تاریخ این استقراض تادیه خواهد شد (۲) اعتبار این قرض همان اعتبار قرض سابق دولت بیانک شاهنشاهی خواهد بود یعنی عایدات گمرکات جنوب بمذاق وضع مخارج اداره گمرکات کمیسیون قسمت اول را عیناً تصویب کرده بود و در قسمت دوم جمله (یعنی عایدات گمرکات) را بجمعه (یعنی اولین عایدات گمرکات تبدیل نموده و در آخر آن جمله (موافق قرار داد سابق) را اضافه کرده بود .

**رئیس -**

مخالفی در این ماده هست (اظهاری نشد) پس قسمت سوم خوانده می شود از لایحه و زراعه به بارت ذیل قرائت شد .

**(۳) در صورتی که**

بانک شاهنشاهی راجع به عدم تادیه اصل استقراض در یک مدتی شرطی پیشنهاد نماید که بموجب آن دولت حق پرداخت کلیه وجه آن استقراض را نداشته باشد دولت مجاز است از تاریخ امضاء قرار داد استقراض تا پنج سال پیش نهاد مزبور را قبول نماید کمیسیون قسمت فوق را به بارت ذیل اصلاح و پیشنهاد کرده بود . در صورتی که بانک شاهنشاهی راجع به تادیه اصل استقراض شرطی پیشنهاد نماید که بموجب آن دولت حق پرداخت کلیه وجه این استقراض را نداشته باشد دولت مجاز است پیشنهاد مزبور را قبول نماید مشروط بر این که مدت مزبور از تاریخ امضاء قرارداد تا پنج سال بیشتر نباشد .

**منتصر السلطان -**

بنده باین ماده که ذکر میکند نام مدت پنج سال دولت حق پرداخت این پول را ندارد و بمذاق پنج سال حق خواهد داشت که اگر میخواهد تادیه بکند میتواند این پول را به بانک یا به صاحبان اسهام بپردازد و با این مدت پنج سال بکلی مخالف هستم چرا بجهت اینکه این

یک فرض جزئی هست و یک چنین محل کلی را که عایدات خالص گمرکات جنوب باشد و بدست لنگر گراف خانه را هم ذکر میکنند در مقابل آن میدهیم و ما نمی توانیم یک چنین محل عمده را واگذار کنیم که اگر چنانچه یک وقتی احتیاجی بپول پیدا بکنیم بکلی دست ما بسته باشد و این اعتبار این محل فرض بکنیم چنانچه اگر حساب بکنیم فرضاً اگر ما بخواهیم یک قرض عمده را باندازه صد کرور یادویست کرور تومان از قرار صدی چهار میتوانیم بکنیم و محل عایدات گمرکات را که تقریباً نه کرور می شود در مقابل آن قرار بدهیم که هشت کرور از برای فرع آن باشد و یک کرور از برای استهلاك اصل این قرض باشد و آن وقت قرض را که بهر جا داریم از قبیل دولت هند و بانک ها و غیره بپردازیم و باقی را بصرف راه آهن مملکت خودمان برسانیم و یک استفاده کلی از این محل های خودمان بکنیم و اگر ما این شرط را قبول بکنیم که تا پنج سال حق تادیه این وجه را نداشته باشیم بکلی دست ما بسته است که نمی توانیم باعتبار این محل های خودمان پولی قرض بکنیم که قرض بانک و سایر قروض را بپردازیم و باقی را بصرف لازمه خودمان برسانیم و ما را خیلی بزرحت میاندازد و دولت را مجبور بخیلی کار های شاقه میکند پس این بنده بکلی مخالف این ماده هستم که ذکر میکند تا پنج سال دولت حق پرداخت وجوه این سهام را نخواهد داشت .

**متین السلطنه -**

اینجا گویا مطلب دو تا بشود یکی اینکه تا پنج سال دیگر نتوانیم این قرض را بپردازیم و یکی این که نتوانیم تا پنج سال دیگر داخل یک استقراض هم بشویم و اینکه تا پنج سال دیگر این وجه را بپردازیم گمان نمی کنم دست دولت را ببندد از اینکه تا پنج سال دیگر داش هیچ یک از معاملات استقراض نشود و این را هم باید اجازه داد بجهت اینکه معاملات استقراض هم می که مبلغ گزافی هم باشد مثل معاملات تجارانی نیست که هر ساعتی که بخواهند پول را پس بیاورند آن شخص پول دهنده قبول بکند و اگر در این مورد این شکل می بود شاید یک منافع زیاد تری را از دولت می خواستند و الا در تمام این نوع استقراضها مدت را محدود میکنند که تا یک مدتی که هم حق پرداخت را نداشته باشد پس بمقتضای بنده این قید در اینجا بر موقع نیست و مدت پنج سال هم زیاد نمی باشد که اگر بعد از آن دولت بخواهد بپردازد مختار باشد و فرمایش دیگری را هم که فرمودند که این کار دست و پای دولت را می بندد عرض می کنم که این نوع استقراضها به چه وجه دست و پای دولت را نمی بندد و همه وقت دولت میتواند داخل در استقراض هائی که ملاحظاتی اقتصادی در آنها هست بشود .

**وحید الملک -**

بنده هیچ متقاعد نشدم از آنچه که تا بحال در این موضوع دفاع شده است می فرمایند از این پنج سال دست دولت بسته نمیشود برای یک استقراض دیگری ولی باید بدانیم که این محل را هم دیگر دولت می تواند دست بزند

و محلی بانی می ماند تا اینکه دست دولت بسته نباشد بنده می خواستم بیرسم از آقای وزیر مالیه که حکمت این قید از برای چیست آیا این از برای منفعت طرف است یا باز برای منفعت ما است اگر از برای منفعت ما است که فی الحقیقه ما این را لازم نداریم یعنی بمقتضای بنده و اگر از برای منفعت طرف است که این مسئله چه منفعتی برای طرف خواهد داشت که تا پنج سال دیگر ما نتوانیم از این محل هیچ معامله بکنیم بنده عقیده ام این است که بکمال خوبی ممکن است که ما این پنج سال را بیکسال فرابردیم چونکه در ماده دیگر شش ماه حق اعلان رسمی قرار داده شده است که دولت سه ماه قبل باید اعلان بکند و سه ماه هم موعده قرار داده شده است از برای اینکه این وجود را دولت بیانک بپردازد پس ما می توانیم سه ماه را بخوبی صرف نظر بکنیم و این مدت را یک سال قرار بدهیم و اگر راجع است بمفعت طرف چنانچه عرض کردم بنده باین اظهارات نمی توانم قانع بشوم .

**وزیر مالیه -**

بنده تعجب میکنم از آقای وحید الملک که این اظهارات را میفرمایند برای این که کلاً خودشان مصروف هستند از مذاکراتی که در کابینه سابق میشده است طرف کمتر از این را قبول نمیکند مدت این هم پنج سال نبود یا نوزده سال بود کابینه سابق خیلی مذاکرات و کوشش کرده است تا اینکه بالاخره آورده است پنج سال کرده است حالا با این شرط حاضرید قبول بکنید اگر هم نمی خواهید مختارید .

**سلیمان میرزا -**

بنده از اول مطرح شدن این لایحه بگانه دلبلی را که می شنوم و اینجا بیان می کنند و غالباً آن را دلیل قاطعی فرض کرده بآن اکتفا میفرمایند دولت سابق است هیچکس نمی تواند این را تصدیق بکند که هر چه را که دولت سابق کرده است باید قبول کرد و ما نتوانیم از آن کارها اشکالی بکنیم یا اگر اشکالاتی کردیم جواب بشویم که دولت سابق اینکار را کرده است یا این خیال را داشته است یا این کارها را تصدیق نمی کردیم از این جهت بگمان بنده این هیچ دلیل منطقی نیست که وقتی سؤال میشود که این چه حکمت دارد که ما را مقید میکنند به پنج سال که نتوانیم در این مدت از همین محل یک قرض کلی با نرول کمتر بصره خودمان بکنیم و این قرض سایر قروض خودمان را بپردازیم مثل اینکه الان هم همین کار را کرده ایم که با اعتبار همین محل یک قرضی را با فرع و نرول کمتری کرده ایم و توانسته ایم هفت کرور قرض سابق خودمان را بپردازیم در جواب بگویند کابینه سابق این خیال را داشت در صورتی که بعد از یک سال یا دو سال دیگر هم شاید بتوانیم با اعتبار همین محل یک قرض بیشتر با فرع و نرول کمتری بکنیم و سایر قروض خودمان را بپردازیم به گمان بنده جواب این اشکالات را این ایرادهائی که میشود کابینه سابق نخواهد بود باید یک جوابی بدهند که سکت باشد یک جواب دیگری هم فرمودند حالا با این شرط حاضرید قبول بکنید پس این

دیگر رای ما را لازم ندارد ما باید بفهمیم که این شرط فایده اش چیست و برای چه اینجا نوشته اند و در صورتیکه کابینه سابق بمذاق مذاکرات و زحمات زیاد یا نوزده سال را توانست پنج سال برساند و ده سال مدت را کم بکنند ممکن است که این کابینه حالیه هم اقداماتی بکنند و پنج سال را بدو سال برسانند و این هم هیچ ضرری نخواهد داشت حالا اگر هیئت وزراء جواب متعلق دیگری غیر از آنچه فرمودند به نظرشان می رسد که بهتر باشد استدعا دارم بفرمایند **وزیر امور خارجه -** بعضی از آقایانی که از معاهدات بانکی فرانکستان مطلع هستند تصور می رفت که در این باب بیشتر کمک اطلاعاتی خودشان را بدهند حالا معلوم می شود که آنها بیشتر اشکال تراشی و ایراد گیری می کنند مسئله استقراض تنها امری نیست که دولت ایران داخل آن شده باشد بلکه سایر دول در این کار داخل شده اند دول بزرگ و کوچک استقراضهای بزرگ استقراض های کوچک کرده اند و شرایط آنها هم تقریباً اداست همچوقت باینکه باینکه باینکه بانی یک پولی را نمی دهد که شش ماه یا یکسال دیگری بگریس بگیرد این اگر فقط برای ایراد گیری باشد می شود گفت اما اگر برای عمل باشد نمی گفت بجهت اینکه نظیرش را نداشته ایم یعنی ما نمی دانیم دیگران اگر می دانند چه عرض کنیم و در مسئله کابینه سابق هم که می فرمایند البته این کابینه خیلی محل تعجب است از اینکه اعمال صحیح کابینه سابق خودش را صحیح بداند و تعقیب بکند و بموقع عمل بگذارد پس اگر در این موضوع اظهاراتی از کابینه سابق می شود برای این است که آنها در این موضوع سعی خودشان را کرده اند و نظرات خودشان را بعمل آورده اند و فرار داد خودشان را نوشته و آورده اند که از مجلس بگذرانند کابینه سابق که آن وقت بنده هم داخل آن بودم و مرحوم صنایع الدوله وزیر مالیه و آقای نواب وزیر امور خارجه بودند در این مسئله مذاکرات بقدری که توانستند کردند و بالخصوص خاطر می آید که در تلگراف خانه بودیم که وقتی که در صدی دوازده و نیم نرول و صدی پنج نرول صنایع الدوله کار امثال و نظائر این قسم استقراض ها کمال اطلاع را داشتند حاصل شد و یکی دو مسئله آن جا محل تأمل و نظر ایشان بود یکی مدت این استقراض بود که ۱۵ سال قرار دادند دیگری هم تلگرافخانه بود که در آن کثرت ذکر کرده بودند این دو مسئله را هم با اقداماتی که آن کابینه در آن وقت کرد و با تلگراف زیادی که بلندین مخایره شد اصلاح کردید یعنی تلگرافخانه را تا یک مدتی قرار دادند که بمذاق آن آزاد باشد و ۱۵ سال را هم پنج سال فرادادند و خیلی هم تفاخر میکردند که این مسئله را انجام دادند پس یک کار صحیحی را که باین کابینه اقدام کرده است و به انجام رسانیده است و در بدل خودش را ننوده و نوشتجات آنرا نوشته است دیگر این کابینه داخل مذاکرات خارجی نمی تواند بشود و این که آقای وزیر مالیه اظهار کردند که اینطور قرار داد نشده است